



مدد حقوق



شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۸ - شماره ۲۵ - پاییز ۱۴۰۴

امکان‌سنجی تحقق جنایت علیه بشریت از رهگذر تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا علیه ایران
 همایون مافی، مرتضی پورعزیز
 بررسی قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاکچین از منظر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
 آریا ابراهیمی، سبحان طیبی
 هوش مصنوعی و نظام حقوق کیفری: تحلیل مسئولیت‌ها و پیامدها
 هادی جمشیدی فر، مهدی جعفریان، رقیه جعفریان
 تحول دادرسی کیفری در پرتو عدالت دیجیتال: کارکرد هم‌افزایانه فناوری‌های نو ظهور
 سیدعلیرضا میرکمالی، سیدمصطفی حسینی دستجردی
 وضعیت حقوقی اختراع مشترک و میزان مالکیت و نحوه تصرف مخترعین در آن
 سعید مولوی، نرجس دریانی چلچله
 تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی و چالش‌های اجرای آن در داوری بین‌المللی با تأکید بر معاهدات بین‌المللی
 احسانه وثوقی منفرد، محمدعلی کفایی فر
 تحلیلی بر دخالت نظریه‌های اخلاقی در حقوق کیفری
 ایرج مروتنی، سعید احمدی، نگین بهادری جهرمی
 لزوم جرم انگاری نگهداری ماینر در ایران (مطالعه تطبیقی)
 مهدی رجائیان، شادی چگینی
 ارتباط کرامت انسانی و اهداف مجازات‌ها در حقوق کیفری
 امیرحسین ابوالحسنی، ستار فخرایی، زینب قادری
 واکاوی مفهوم «احق بالولد» در روایات امامیه: نقدی بر انگاره «حضانت» در فقه و حقوق خانواده
 حجت اله دهقانی
 سامانه جامع حقوقی شرکت ملی نفت ایران «سحن»: تحولی راهبردی در حکمرانی حقوقی هوشمند صنعت نفت ایران
 سیدحجت الله علم الهدی، محمد مهدی اسدی
 اصول اساسی بیمه و نتایج آن بر قصد اضرار
 محمد کمالی، محمدعلی جهانی، حمیدرضا سلیمی
 واکاوی علل بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران
 سیداحمد پیروندیزی، امیررضا محمودی
 بررسی اعتبار و قابلیت استناد ابزارهای ارتباطی نوین در فرایند اثبات جرم در نظام حقوقی ایران
 علیرضا باقری حسن آبادی
 مسئولیت کیفری سردفتران اسناد رسمی: تحلیل چالش‌های قانونی و راهکارهای پیشگیرانه در نظام ثبتی ایران
 ایوب رحیمی
 مفهوم منفعت عمومی در پرتو فایده‌گرایی جان استوارت میل و مقایسه آن با اندیشه جرمی بنتام
 احمدرضا سلطانیان
 مسئولیت مدنی در قبال ربات‌ها و هوش مصنوعی: چالش‌ها و راهکارهای حقوقی در عصر فناوری‌های نوین
 جیران ابراهیمی
 سیاستگذاری حمایت مدار در قبال بزه دیدگی زنان در خانواده با تأکید بر تحولات جدید
 محبوبه طالبی رستمی
 تأثیر روانشناسی جنایی در ارتکاب جرم در حقوق ایران و فرانسه
 وحید کیومرثی
 مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در مأموریت‌های خارجی
 مهدی قره داغی، مسعود سرفرازی صالح
 مطالعه فقهی و حقوقی شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف
 حبیب اله عبدالله پور، حمیدرضا نام آور
 تحلیلی بر جنایت‌های محیط زیستی تجاوز ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران
 جواد چراغی
 تحلیل حقوقی نقش مشاوران املاک در حفظ حقوق مالکیت زمین و چالش‌های اجرایی آن در ایران
 محمد احمدی
 مقابله دادگاه کیفری بین‌المللی با گسترش جنایت داعش
 جواد دشتیان
 قابل استناد بودن کنوانسیون نیویورک در داوری تجاری بین‌المللی ایران و موافقتنامه داوری با تأکید بر مفهوم تجاری
 علی باباپور همراهلو، پویا بنی هاشم
 مالکیت و بهره برداری از آب‌ها در نظام حقوقی ایران
 احمد پدیدار، یاسر صیادپور
 حق فراموش شدن و آثار آن بر روابط قراردادی در بلاکچین‌های عمومی: تحلیل تطبیقی حریم خصوصی داده‌ها در حقوق ایران و اروپا
 عارفه قاسم زاده ده آبادی
 بررسی ماهیت حقوقی قرارداد ساخت، اجاره و انتقال (بی.ال.تی)
 علی زارعی جلال آبادی
 نقش وکیل در تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری
 علیرضا درائی
 شناسایی و اولویت بندی عوامل سیاسی-اجتماعی موثر بر تکیه‌گری در زاهدان
 محمدکمال دادرس
 مسئولیت مدنی دولت نسبت به خسارات ناشی از اطلاع دادرسی
 علی فراحی
 تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها بر آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی
 رامهر رحمانی گل افشان
 مروری تاریخی بر جرم انگاری در قبال جرائم نیروهای مسلح
 یاسر شاکری



The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions

Mahdi Gharedaqui

Master of Arts in International Law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Masoud Sarfarazi Saleh

Master of Arts in International Law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran

مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در مأموریت‌های خارجی

مهدی قره داغی

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mahdigharedaqui@gmail.com

<http://orcid.org/0009-0002-1122-0298>

مسعود سرفرازی صالح

کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

msarfarazisaleh@gmail.com

<http://orcid.org/0009-0004-6911-7722>

Abstract

This study examines the responsibility of states for human rights violations by private security companies in foreign missions. The present study shows that despite significant theoretical advances, the international legal system faces numerous implementation challenges in the field of monitoring and accountability of these companies in practice. By present analyzing three levels of state responsibility, including responsibility arising from operational control, responsibility based on the lack of effective monitoring, and guaranteed responsibility, the study provides a comprehensive framework for understanding the obligations of states. The findings indicate that existing international instruments, including the Montreux Document and the UN Guidelines, despite their theoretical value, have limited effectiveness due to the lack of adequate implementation guarantees. On the other hand, international jurisprudence, although it contains valuable principles, requires greater coherence due to its fragmentation and differences in standards. The identification of deep gaps in the current system, including lack of contractual transparency, conflict of laws, and weak oversight mechanisms, are other important findings of this research. By providing practical solutions at the international and national levels, including proposing the development of a comprehensive treaty, amending domestic laws, and strengthening judicial cooperation, this article proposes effective steps to strengthen the accountability system. This research ultimately emphasizes that the issue of state responsibility towards private security companies is an important test for measuring the effectiveness of the international human rights system in the face of new developments in the field of global security.

Keywords: State Responsibility, Private Security Companies, International Human Rights Law, Foreign Missions, International Oversight.

چکیده

این پژوهش به بررسی مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در مأموریت‌های خارجی می‌پردازد. مطالعه حاضر نشان می‌دهد که نظام حقوق بین‌الملل با وجود پیشرفت‌های نظری قابل توجه، در عمل با چالش‌های اجرایی متعددی در زمینه نظارت و پاسخگویی این شرکت‌ها مواجه است. پژوهش حاضر با تحلیل سه سطح مسئولیت دولتی شامل مسئولیت ناشی از کنترل عملیاتی، مسئولیت مبتنی بر عدم نظارت مؤثر و مسئولیت تضمینی چهارچوب جامعی برای درک تعهدات دولت‌ها ارائه می‌دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اسناد بین‌المللی موجود از جمله سند مونترو و رهنمودهای سازمان ملل متحد، با وجود ارزش نظری، به دلیل فقدان ضمانت اجرای کافی از اثربخشی محدودی برخوردارند. از سوی دیگر، رویه قضایی بین‌المللی اگرچه حاوی اصول ارزشمندی است، اما به دلیل پراکندگی و اختلاف در معیارها نیازمند انسجام بیشتری می‌باشد. شناسایی شکاف‌های عمیق در نظام فعلی، از جمله عدم شفافیت قراردادی، تعارض قوانین و ضعف مکانیسم‌های نظارتی از دیگر یافته‌های مهم این پژوهش محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با ارائه راهکارهای عملی در سطوح بین‌المللی و ملی، از جمله پیشنهاد تدوین معاهده جامع، اصلاح قوانین داخلی و تقویت همکاری‌های قضایی گام‌های مؤثری برای تقویت نظام مسئولیت‌پذیری پیشنهاد می‌دهد. این پژوهش در نهایت بر این نکته تأکید دارد که مسئله مسئولیت دولت‌ها در قبال شرکت‌های امنیتی خصوصی، آزمونی مهم برای سنجش کارآمدی نظام بین‌المللی حقوق بشر در مواجهه با تحولات جدید عرصه امنیت جهانی محسوب می‌شود.

واژگان کلیدی: مسئولیت دولت، شرکت‌های امنیتی خصوصی، حقوق بین‌الملل بشر، مأموریت‌های خارجی، نظارت بین‌المللی.

ارجاع:

قره داغی، مهدی؛ سرفرازی صالح، مسعود؛ (۱۴۰۴)، مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در مأموریت‌های خارجی، شماره ۲۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

در دنیای امروز که تحولات امنیتی و نظامی پیچیده‌تر از گذشته شده‌اند، نقش شرکت‌های امنیتی خصوصی در اجرای مأموریت‌های بین‌المللی به موضوعی بحث‌برانگیز در حقوق بین‌الملل تبدیل شده است. این شرکت‌ها که گاهی اوقات به‌عنوان نمایندگان دولت‌ها در مناطق بحرانی عمل می‌کنند، در موارد متعددی متهم به نقض حقوق بشر شده‌اند. این وضعیت پرسش‌های مهمی را درباره مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات این شرکت‌ها مطرح می‌کند. آیا دولت‌ها باید پاسخگوی رفتار این شرکت‌ها باشند؟ چه مکانیسم‌های حقوقی برای رسیدگی به این مسائل وجود دارد؟ این پژوهش به دنبال بررسی این پرسش‌ها در چهارچوب حقوق بین‌الملل است.

تحلیل مسئولیت دولت‌ها در قبال شرکت‌های امنیتی خصوصی نیازمند بررسی چندین جنبه حقوقی است. نخست باید ماهیت حقوقی این شرکت‌ها و رابطه آن‌ها با دولت‌ها مشخص شود. سپس باید دید که قواعد حقوق بین‌الملل چگونه بر فعالیت آن‌ها حاکم است و چه ضمانت‌اجراهایی برای تخلفات آن‌ها وجود دارد؟ همچنین بررسی رویه قضایی بین‌المللی در این زمینه می‌تواند به درک بهتر موضوع کمک کند. این پژوهش با نگاهی جامع به همه این جنبه‌ها می‌پردازد.

یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، تعیین حدود مسئولیت دولت‌ها است. از یک سو، دولت‌ها

نمی‌توانند به‌طور کامل از مسئولیت در قبال اقدامات شرکت‌هایی که استخدام می‌کنند شانه خالی کنند. از سوی دیگر، نمی‌توان هرگونه تخلف توسط این شرکت‌ها را مستقیماً به حساب دولت‌ها گذاشت. حقوق بین‌الملل باید معیارهای مشخصی برای تعیین این مسئولیت ارائه دهد. این پژوهش به دنبال بررسی این معیارها و تحلیل آن‌ها است.

رویه قضایی بین‌المللی تاکنون موارد متعددی را درباره مسئولیت دولت‌ها در قبال شرکت‌های امنیتی خصوصی بررسی کرده است. آرای دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان اروپایی حقوق بشر در این زمینه بسیار راهگشا بوده‌اند. این رویه‌ها نشان می‌دهند که چگونه می‌توان مسئولیت دولت‌ها را در شرایط مختلف تعیین کرد. بررسی این آرای قضایی بخش مهمی از این پژوهش را تشکیل می‌دهد. در کنار رویه قضایی، اسناد بین‌المللی متعددی نیز به تنظیم فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی پرداخته‌اند. سند مونتر و رهنمودهای سازمان ملل متحد از جمله مهم‌ترین این اسناد هستند. این اسناد اگرچه فاقد ضمانت اجرای قوی هستند، اما می‌توانند به‌عنوان چهارچوبی برای رفتار دولت‌ها و این شرکت‌ها مورد استناد قرار گیرند. تحلیل محتوای این اسناد و جایگاه آن‌ها در حقوق بین‌الملل از دیگر اهداف این پژوهش است.

روش تحقیق در این پژوهش ترکیبی از تحلیل حقوقی و بررسی موردی است. از یک سو، قواعد و اصول حقوق بین‌الملل درباره مسئولیت دولت‌ها بررسی می‌شود. از سوی دیگر، موارد عینی نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی و پاسخ حقوقی به آن‌ها تحلیل می‌گردد. این روش به درک بهتر موضوع و ارائه راهکارهای عملی کمک می‌کند. منابع مورد استفاده در این پژوهش شامل کتاب‌های تخصصی، مقاله‌های علمی، اسناد بین‌المللی و آرای قضایی است. ساختار پژوهش به گونه‌ای طراحی شده که پس از مقدمه، ابتدا به مفاهیم پایه و چهارچوب نظری می‌پردازد. سپس قواعد حقوق بین‌الملل حاکم بر این موضوع بررسی می‌شود. پس از آن، رویه قضایی بین‌المللی تحلیل می‌گردد. در ادامه مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات این شرکت‌ها به تفصیل بحث می‌شود. در نهایت چالش‌های موجود و راهکارهای پیشنهادی ارائه می‌گردد. این ساختار به خواننده کمک می‌کند تا موضوع را به‌صورت نظام‌مند و گام به گام درک کند.

اهمیت این پژوهش در چند جنبه قابل توجه است. نخست آن که به یکی از موضوعات چالش برانگیز حقوق بین الملل معاصر می پردازد. دوم آن که با تحلیل جامع قواعد و رویه ها، به درک بهتر مسئولیت دولت ها کمک می کند. سوم آن که می تواند مبنایی برای پژوهش های آینده در این زمینه باشد. در نهایت، این پژوهش ممکن است به سیاست گذاران و نهادهای بین المللی در تنظیم مقررات مربوط به شرکت های امنیتی خصوصی کمک کند. در خاتمه باید گفت که مسئله مسئولیت دولت ها در قبال شرکت های امنیتی خصوصی موضوعی پیچیده و چندبعدی است که نیازمند بررسی دقیق از منظر حقوق بین الملل است. این پژوهش با رویکردی تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر به این موضوع می پردازد. امید است یافته های این پژوهش بتواند به غنای ادبیات حقوقی در این زمینه کمک کند و راه را برای پژوهش های بعدی هموار سازد.

۱- مفاهیم و چهارچوب نظری

شرکت های امنیتی خصوصی به عنوان بازیگران نوظهور در صحنه بین المللی، نقش فزاینده ای در عملیات های امنیتی و نظامی ایفاء می کنند. این شرکت ها که تحت عناوین مختلفی مانند شرکت های نظامی خصوصی^۱ یا شرکت های امنیتی خصوصی^۲ شناخته می شوند، به ارائه خدمات امنیتی، حفاظتی و گاه نظامی به دولت ها، سازمان های بین المللی و شرکت های چندملیتی می پردازند (Singer, 2008, 45). ماهیت حقوقی این شرکت ها و رابطه آن ها با دولت ها از مباحث پیچیده حقوق بین الملل معاصر است که نیازمند بررسی دقیق است.

از دیدگاه حقوق بین الملل، تعریف دقیق شرکت های امنیتی خصوصی اهمیت ویژه ای دارد. بر اساس سند مونتر و ۲۰۰۸ میلادی، این شرکت ها به ارائه خدمات مسلحانه در محیط های خطرناک می پردازند و ممکن است وظایفی مانند حفاظت از افراد و تأسیسات، آموزش نیروهای نظامی، مشاوره امنیتی و حتی مشارکت مستقیم در درگیری های مسلحانه را بر عهده بگیرند. این گستردگی فعالیت ها باعث شده که تعیین حدود مسئولیت حقوقی آن ها با چالش های متعددی همراه باشد (Chesterman & Lehnardt, 2008, 78).

در بررسی مبانی مسئولیت دولت ها در حقوق بین الملل، باید به نظریه های مختلفی توجه کرد. نظریه مسئولیت مستقیم زمانی مطرح می شود که دولت به طور صریح یا ضمنی به این شرکت ها دستور انجام

1- PMCs

2- PSCs

عملیاتی خاص را داده باشد. در چنین مواردی، دولت به دلیل رابطه کارفرما-پیمانکار مسئول اعمال شرکت محسوب می‌شود.^۳ نظریه مسئولیت غیرمستقیم نیز زمانی کاربرد دارد که دولت با وجود آگاهی از تخلفات این شرکت‌ها، از اقدام مؤثر برای جلوگیری یا مجازات آن‌ها خودداری کند. این نظریه بر مبنای اصل «تعهد به مراقبت»^۴ استوار است که در حقوق بین‌الملل عرفی به رسمیت شناخته شده است.^۵

رابطه دولت و شرکت‌های امنیتی خصوصی می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد. در برخی موارد، دولت مستقیماً با این شرکت‌ها قرارداد می‌بندد و آن‌ها را برای انجام مأموریت‌های خاص استخدام می‌کند. در موارد دیگر، ممکن است شرکت‌ها به صورت غیرمستقیم و از طریق پیمانکاران فرعی با دولت مرتبط شوند. همچنین، گاهی اوقات این شرکت‌ها به صورت مستقل عمل می‌کنند اما با حمایت ضمنی دولت فعالیت می‌نمایند. هریک از این روابط می‌تواند آثار حقوقی متفاوتی در پی داشته باشد (Percy, 2007, 112).

یکی از چالش‌های مهم در این زمینه، تعیین معیارهای کنترل عملیاتی است. بر اساس حقوق بین‌الملل، زمانی می‌توان دولت را مسئول اعمال یک شرکت امنیتی خصوصی دانست که رابطه کنترل مؤثر بین آن‌ها وجود داشته باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۶ میلادی معیار «دستور یا کنترل مؤثر» را مطرح کرد که بر اساس آن، دولت زمانی مسئول است که عملیات خاصی را به شرکت دستور داده یا بر اجرای آن کنترل مؤثر داشته باشد. این معیار بعدها در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز مورد تأیید قرار گرفت.^۶ در کنار نظریه کنترل عملیاتی، نظریه نظارت مؤثر نیز در حقوق بین‌الملل مطرح است. بر این اساس، حتی اگر دولت کنترل مستقیمی بر عملیات شرکت نداشته باشد، اما به دلیل رابطه خاصی که با آن دارد^۷، ممکن است مسئولیت برخی از اعمال شرکت را بر عهده بگیرد. این نظریه به ویژه در مواردی کاربرد دارد که شرکت با استفاده از امکانات دولتی یا تحت حمایت سیاسی دولت فعالیت می‌کند (Kontos, 2009, 156).

تحلیل رابطه حقوقی بین دولت و شرکت‌های امنیتی خصوصی نیازمند بررسی دقیق قراردادهای

3- ILC Articles on State Responsibility, 2001, Art. 8

4- due diligence

5- ICJ, Nicaragua v. USA, 1986, para. 115

6- ICC Statute, Art. 25

۷- مانند مجوز فعالیت، نظارت بر عملکرد یا حمایت مالی

منعده بین آنها است. این قراردادها معمولاً حاوی مفاد مهمی درباره حدود اختیارات شرکت، نظارت دولت بر عملکرد آن و مسئولیت‌های طرفین هستند. باین حال، مشکل اصلی این است که بسیاری از این قراردادها محرمانه هستند و دسترسی به آنها برای محققان و نهادهای نظارتی دشوار است. این وضعیت باعث شده که ارزیابی دقیق مسئولیت دولت‌ها با مشکلات زیادی همراه باشد (Isenberg, 2010, 89). یکی از جنبه‌های مهم در بررسی مسئولیت دولت‌ها، تحلیل وضعیت حقوقی کارکنان شرکت‌های امنیتی خصوصی است. این افراد از نظر حقوقی می‌توانند در یکی از سه دسته قرار بگیرند: نظامیان رسمی، مزدوران و کارکنان شرکت‌های خصوصی. تعیین وضعیت حقوقی آنها تأثیر مستقیمی بر مسئولیت دولت استخدام‌کننده دارد. برای مثال، اگر این افراد به‌عنوان مزدور شناخته شوند، مشمول مقررات خاص کنوانسیون‌های ژنو خواهند بود.^۸ درحالی‌که اگر به‌عنوان کارکنان شرکتی خصوصی تلقی شوند، ممکن است تحت قوانین داخلی کشور میزبان یا کشور متبوع شرکت قرار گیرند (Cameron, 2013, 134).

در پایان این بخش باید تأکید کرد که تحلیل مسئولیت دولت‌ها در قبال شرکت‌های امنیتی خصوصی نیازمند نگاهی همه‌جانبه و توجه به تمام ابعاد حقوقی موضوع است. هم نظریه‌های سنتی مسئولیت دولتی و هم تحولات جدید در حقوق بین‌الملل باید در این تحلیل مدنظر قرار گیرند. همچنین، بررسی رابطه عملی بین دولت‌ها و این شرکت‌ها و تحلیل محتوای قراردادهای منعده بین آنها می‌تواند به درک بهتر حدود مسئولیت دولت‌ها کمک کند.

۲- موازین حقوق بین‌الملل حاکم بر فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی

۲-۱- اسناد بین‌المللی مرتبط با فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی

نظام حقوق بین‌الملل در مواجهه با فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی، اسناد متعددی را در سطوح مختلف توسعه داده است که هر یک به جنبه‌های خاصی از این پدیده می‌پردازند. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۴۹ میلادی و پروتکل‌های الحاقی به آنها مصوب ۱۹۷۷ میلادی به‌عنوان سنگ بنای حقوق بشردوستانه بین‌المللی، اگرچه مستقیماً به شرکت‌های امنیتی خصوصی اشاره نکرده‌اند، اما مقرراتی کلی درباره رفتار طرفین درگیر در مخاصمات مسلحانه ارائه می‌دهند که می‌تواند شامل این شرکت‌ها نیز بشود.

ماده ۴۷ پروتکل اول الحاقی به صراحت مزدوران را از مقررات مربوط به حقوق اسیران جنگی مستثنی می‌کند، اما تعریف ارائه شده از مزدور به گونه‌ای است که بسیاری از کارکنان شرکت‌های امنیتی خصوصی را شامل نمی‌شود (Sandoz, 1987, 572). این خلأ حقوقی باعث شده که در عمل، بسیاری از کارکنان این شرکت‌ها در منطقه خاکستری بین مزدوران و نیروهای نظامی رسمی قرار بگیرند.

سند مونترو درباره تعهدات حقوقی بین‌المللی و شیوه‌های مناسب دولت‌ها در ارتباط با عملیات شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در زمان مخاصمه مسلحانه که در سال ۲۰۰۸ میلادی به تصویب رسید، نخستین سند بین‌المللی است که به‌طور خاص به تنظیم فعالیت این شرکت‌ها پرداخته است. این سند که حاصل مذاکرات دولت‌ها، کارشناسان حقوقی و نمایندگان جامعه مدنی است، اگرچه فاقد ماهیت الزام‌آور است، اما به‌عنوان چهارچوبی مرجع برای رفتار دولت‌ها با این شرکت‌ها شناخته می‌شود.^۹ سند مونترو در بخش اول خود، تعهدات حقوقی بین‌المللی دولت‌ها را در سه سطح دولت‌های استخدام‌کننده، دولت‌های میزبان و دولت‌های متبوع شرکت‌ها بررسی می‌کند و در بخش دوم، مجموعه‌ای از شیوه‌های مناسب عملی را پیشنهاد می‌دهد.

مجموعه اصول راهبردی سازمان ملل متحد درباره شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی که در سال ۲۰۱۰ میلادی توسط گروه کاری متشکل از دولت‌ها، کارشناسان مستقل و نمایندگان صنعت تدوین شد گام دیگری در جهت تنظیم فعالیت این شرکت‌ها بود. این سند که به «رهنمودهای بین‌المللی» معروف است، بر مسئولیت دولت‌ها در نظارت بر فعالیت شرکت‌ها و تضمین پاسخگویی آن‌ها تأکید می‌کند.^{۱۰} رهنمودهای مذکور شامل هفتاد و سه اصل هستند که طیف وسیعی از موضوعات از جمله استخدام، آموزش، استفاده از نیروی قهری، شفافیت مالی و مکانیسم‌های رسیدگی به شکایات را پوشش می‌دهند. اگرچه این سند نیز فاقد ضمانت اجرای حقوقی است، اما به‌عنوان چهارچوبی برای توسعه قوانین و مقررات داخلی کشورها مورد استفاده قرار گرفته است.

کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با استخدام، استفاده، تأمین مالی و آموزش مزدوران که در سال ۱۹۸۹ میلادی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد، تلاش دیگری در جهت تنظیم فعالیت

9- Montreux Document, 2008, Part I

10- UN Working Group, 2010, Principle 1

نیروهای نظامی خصوصی بود. باین‌حال، این کنوانسیون به دلایل مختلف از جمله تعریف محدود از مزدور و عدم تصویب توسط بسیاری از کشورهای مهم نتوانست تأثیر قابل توجهی بر فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی داشته باشد (Ballesteros, 1990, 45). مشکل اصلی این کنوانسیون آن است که بیشتر بر مزدوران فردی تمرکز دارد تا شرکت‌های سازمان‌یافته و قانونی ثبت شده.

در سطح منطقه‌ای، اتحادیه آفریقا در سال ۱۹۷۷ میلادی کنوانسیون حذف مزدورگری در آفریقا را تصویب کرد که تعریف گسترده‌تری از مزدور ارائه می‌دهد و می‌تواند برخی از فعالیت‌های شرکت‌های امنیتی خصوصی را نیز شامل شود. این کنوانسیون که در سال ۱۹۸۵ میلادی لازم‌الاجرا شد، رویکردی سختگیرانه نسبت به پدیده مزدورگیری دارد و آن را تهدیدی برای صلح و امنیت در آفریقا می‌داند.^{۱۱} باین‌حال، این سند نیز همانند کنوانسیون ۱۹۸۹ میلادی سازمان ملل متحد، نتوانسته است پاسخ مناسبی به چالش‌های ناشی از فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی ارائه دهد.

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ میلادی گروه کاری ویژه‌ای را برای بررسی موضوع مزدوران و شرکت‌های نظامی خصوصی تشکیل داد که در نهایت به تدوین پیش‌نویس معاهده‌ای بین‌المللی درباره تنظیم فعالیت این شرکت‌ها منجر شد. این پیش‌نویس که هنوز به مرحله تصویب نرسیده است، تلاش می‌کند تا با ایجاد مکانیسم‌های نظارتی بین‌المللی، فعالیت شرکت‌ها را تحت کنترل درآورد.^{۱۲} از جمله نوآوری‌های این پیش‌نویس، ایجاد نظام ثبت بین‌المللی برای شرکت‌های امنیتی خصوصی و پیش‌بینی مکانیسم‌های رسیدگی به تخلفات است.

در سطح اتحادیه اروپا، پارلمان این اتحادیه در سال ۲۰۰۹ میلادی قطعنامه‌ای را درباره مسئولیت شرکت‌های امنیتی خصوصی تصویب کرد که در آن بر ضرورت تنظیم فعالیت این شرکت‌ها در سطح اروپا تأکید شده است.^{۱۳} این قطعنامه اگرچه فاقد اثر حقوقی الزام‌آور است، اما نشان‌دهنده نگرانی کشورهای اروپایی از پیامدهای فعالیت این شرکت‌ها است. در پی این قطعنامه، کمیسیون اروپا در سال ۲۰۱۲ میلادی راهنمایی را درباره استانداردهای رفتاری شرکت‌های امنیتی خصوصی

11- OAU Convention, 1977, Art. 1

12- UN Working Group, 2018, Draft Art. 6

13- European Parliament, 2009, para. 12

منتشر کرد که حاوی توصیه‌هایی به دولت‌های عضو است.

در ایالات متحده آمریکا که یکی از مهم‌ترین کشورهای استفاده‌کننده شرکت‌های امنیتی خصوصی است، قانون صلاحیت قضایی خارجی^{۱۴} این امکان را به قربانیان نقض حقوق بشر می‌دهد که در دادگاه‌های آمریکایی علیه شرکت‌های متخلف اقامه دعوی کنند. هرچند که رویه قضایی اخیر نشان می‌دهد که دامنه شمول این قانون محدود شده است.^{۱۵} همچنین، قانون مبارزه با مزدورگری^{۱۶} مصوب ۲۰۰۹ میلادی، مقرراتی را برای نظارت بر فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی آمریکایی در خارج از کشور وضع کرده است.

در تحلیل کلی اسناد بین‌المللی مرتبط با شرکت‌های امنیتی خصوصی می‌توان به چند نکته مهم اشاره کرد. نخست آن که نظام حقوقی بین‌المللی در این زمینه هنوز تکامل نیافته و بیشتر مبتنی بر اسناد غیرالزام‌آور است. دوم آن که تعریف دقیق و جامعی از شرکت‌های امنیتی خصوصی و کارکنان آن‌ها در حقوق بین‌الملل وجود ندارد. سوم آن که مکانیسم‌های نظارتی و پاسخگویی مؤثر برای تضمین رعایت حقوق بشر توسط این شرکت‌ها توسعه نیافته است. این خلأها و نارسایی‌ها باعث شده که فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی در بسیاری موارد خارج از چهارچوب دقیق حقوقی صورت گیرد.

۲-۲- حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بشر در ارتباط با شرکت‌های امنیتی خصوصی

حقوق بشردوستانه بین‌المللی به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد حقوقی که هدف اصلی آن محدود کردن آثار مخاصمات مسلحانه و حمایت از افراد درگیر یا متأثر از این مخاصمات است، نقش مهمی در تنظیم فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی ایفاء می‌کند. این شاخه از حقوق بین‌الملل که عمدتاً در قالب کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۹۴۹ میلادی و پروتکل‌های الحاقی به آن‌ها مصوب ۱۹۷۷ میلادی تدوین شده است، اگرچه به صراحت به شرکت‌های امنیتی خصوصی اشاره نکرده، اما اصول و قواعد کلی آن می‌تواند بر فعالیت این شرکت‌ها در شرایط مخاصمه مسلحانه اعمال شود (Dörmann, 2003, 145).

یکی از چالش‌های اصلی در این زمینه، تعیین وضعیت حقوقی کارکنان شرکت‌های امنیتی خصوصی

14- ATS

15- Kiobel v. Royal Dutch Petroleum, 2013

16- MPEA

تحت حقوق بشردوستانه است. بر اساس ماده ۴ کنوانسیون سوم ژنو، کارکنان این شرکت‌ها در صورتی که واجد شرایط اسیر جنگی باشند که باید به چند شرط اصلی عضو نیروهای مسلح یک طرف محاصمه باشند، تحت فرماندهی مسئول باشند، دارای علامت مشخصه قابل تشخیص از دور باشند و اسلحه را به‌طور آشکار حمل کنند و عملیات خود را مطابق با قوانین و عرف جنگ انجام دهند. در عمل، بسیاری از کارکنان شرکت‌های امنیتی خصوصی این شرایط را ندارند و بنابراین از حمایت‌های مربوط به اسیران جنگی محروم می‌مانند.

اصل تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان که از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه است، در مورد شرکت‌های امنیتی خصوصی پیچیدگی‌های خاصی دارد. بر اساس پروتکل اول الحاقی، حملات باید منحصراً علیه اهداف نظامی باشد و غیرنظامیان نباید مورد حمله قرار گیرند. اما زمانی که کارکنان شرکت‌های امنیتی خصوصی در عملیات نظامی مشارکت می‌کنند، تعیین وضعیت آن‌ها به‌عنوان نظامی یا غیرنظامی دشوار می‌شود. این ابهام می‌تواند منجر به نقض اصل تمایز و افزایش خطر برای غیرنظامیان شود (Cameron, 2013, 178). دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خود درباره مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در سال ۱۹۹۶ میلادی تأکید کرد که اصول حقوق بشردوستانه بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی هستند و در تمامی مخاصمات مسلحانه اعمال می‌شوند، صرف‌نظر از این که چه بازیگرانی در آن مشارکت دارند.^{۱۷} این رأی نشان می‌دهد که شرکت‌های امنیتی خصوصی نیز ملزم به رعایت این اصول هستند.

استفاده از نیروی قهری توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در حقوق بشردوستانه است. بر اساس حقوق بین‌الملل، استفاده از نیروی مرگبار تنها در شرایط بسیار محدود و به‌عنوان آخرین راه‌حل مجاز است.^{۱۸} با این حال، گزارش‌های متعددی حاکی از استفاده نامتناسب و غیرضروری از نیروی قهری توسط برخی از این شرکت‌ها است. حادثه میدان نسور در سال ۲۰۰۷ میلادی که در آن کارکنان شرکت بلک‌واتر به روی غیرنظامیان عراقی آتش گشودند، نمونه بارزی از این

17- ICJ, Nuclear Weapons, 1996, para. 79

18- UN Basic Principles, 1990, Principle 9

تخلفات است (Taguba, 2007, 12). این حادثه نشان داد که چگونه فقدان نظارت کافی و ضعف در آموزش می‌تواند به نقض فاحش حقوق بشر منجر شود.

حقوق بشر به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد حقوقی که هدف آن حمایت از افراد در برابر سوءاستفاده از قدرت توسط دولت‌ها و سایر نهادهای قدرتمند است، در مورد فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی نیز اعمال می‌شود. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ میلادی که تقریباً تمامی دولت‌های استخدام‌کننده این شرکت‌ها به آن پیوسته‌اند، حقوقی مانند حق زندگی، ممنوعیت شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز و حق دادرسی عادلانه را به رسمیت شناخته است. دولت‌ها بر اساس این میثاق متعهد هستند که نه تنها خود از نقض این حقوق خودداری کنند، بلکه از نقض آن‌ها توسط اشخاص ثالث مانند شرکت‌های امنیتی خصوصی نیز جلوگیری کنند. این تعهد که به «تعهد به مراقبت»^{۱۹} معروف است، در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان اروپایی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است.

یکی از چالش‌های مهم در اعمال حقوق بشر بر شرکت‌های امنیتی خصوصی، مسئله صلاحیت سرزمینی است. بر اساس حقوق بین‌الملل، دولت‌ها عمدتاً در قلمرو خود ملزم به رعایت حقوق بشر هستند. اما زمانی که شرکت‌های امنیتی خصوصی در خارج از قلمرو دولت استخدام‌کننده فعالیت می‌کنند، تعیین حدود تعهدات حقوق بشری آن دولت دشوار می‌شود. کمیته حقوق بشر سازمان ملل در تفسیر عمومی شماره سی و یکم خود تأکید کرده است که دولت‌ها در مواردی که بر افراد یا سرزمین‌هایی خارج از قلمرو خود کنترل مؤثر دارند، ملزم به رعایت حقوق بشر هستند.^{۲۰} این تفسیر می‌تواند مبنایی برای مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات شرکت‌های امنیتی خصوصی در خارج از قلمروشان باشد.

حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز در ارتباط با فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی حائز اهمیت است. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ میلادی حقوقی مانند حق بر شرایط کاری عادلانه و مساعد و حق بر امنیت و بهداشت شغلی را به رسمیت شناخته است. کارکنان شرکت‌های امنیتی خصوصی که غالباً در محیط‌های پرخطر فعالیت می‌کنند، نیازمند حمایت‌های

19- due diligence obligation

20- HRC, General Comment No. 31, 2004, para. 10

خاص در این زمینه هستند. با این حال، فقدان مقررات جامع بین‌المللی در این زمینه باعث شده که بسیاری از این کارکنان از حداقل استانداردهای کاری محروم بمانند (Lehnardt, 2008, 156).

در سطح منطقه‌ای، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۵۰ میلادی و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹ میلادی نیز می‌توانند بر فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی تأثیر بگذارند. دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده‌های متعددی به مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات بازیگران غیردولتی پرداخته است. در پرونده آل-جدر علیه بریتانیا در سال ۲۰۱۱ میلادی، دیوان تأکید کرد که دولت بریتانیا به دلیل کنترل مؤثر بر نیروهای خود در عراق، متعهد به رعایت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مورد اقدامات این نیروها است.^{۲۱} این رویه می‌تواند به مواردی که شرکت‌های امنیتی خصوصی تحت کنترل مؤثر دولت‌ها فعالیت می‌کنند نیز تعمیم یابد.

در پایان این بخش باید تأکید کرد که اگرچه حقوق بشردوستانه و حقوق بشر چهارچوب‌های حقوقی متفاوتی دارند، اما در مورد فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی تا حد زیادی همپوشانی پیدا می‌کنند. تعامل این دو شاخه از حقوق بین‌الملل می‌تواند زمینه را برای توسعه یک نظام جامع نظارتی فراهم کند. با این حال، چالش اصلی فقدان مکانیسم‌های اجرایی مؤثر برای تضمین رعایت این قواعد توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی و دولت‌های مرتبط با آن‌ها است.

۲-۳- صلاحیت قضایی بین‌المللی و داخلی در قبال شرکت‌های امنیتی خصوصی

نظام صلاحیت قضایی در ارتباط با فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی از پیچیدگی‌های قابل توجهی برخوردار است که ناشی از ماهیت فراملی فعالیت این شرکت‌ها و تنوع بازیگران درگیر می‌باشد. در سطح بین‌المللی، دیوان بین‌المللی کیفری به‌عنوان مهم‌ترین مرجع قضایی بین‌المللی، صلاحیت رسیدگی به جنایات بین‌المللی را دارد که ممکن است توسط کارکنان شرکت‌های امنیتی خصوصی ارتکاب یابد. اساسنامه رم مصوب ۱۹۹۸ میلادی در ماده ۲۵ خود مسئولیت کیفری فردی را برای کلیه افرادی که در ارتکاب جنایات بین‌المللی نقش داشته‌اند، پیش‌بینی کرده است.^{۲۲} این ماده می‌تواند شامل کارکنان

21- ECtHR, Al-Jedda v. UK, 2011, para. 84

22- ICC Statute, Art. 25

شرکت‌های امنیتی خصوصی نیز بشود، مشروط بر این که رفتار آن‌ها در چهارچوب یکی از جنایات تحت صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار گیرد. باین حال، چالش اصلی در این زمینه، اثبات رابطه میان اقدامات فردی کارکنان و سیاست کلی شرکت یا دولت استخدام‌کننده است (Cryer, 2010, 278).

صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات شرکت‌های امنیتی خصوصی نیز حائز اهمیت است. دیوان در قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۶ میلادی معیارهای «کنترل مؤثر» را برای انتساب رفتار افراد غیردولتی به دولت‌ها تعیین کرد.^{۲۳} این معیارها بعدها در قضیه بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو در سال ۲۰۰۷ میلادی مورد بازبینی قرار گرفت و دیوان معیار سختگیرانه‌تر «کنترل کلی» را مطرح کرد. این تحولات نشان‌دهنده رویکرد احتیاط‌آمیز دیوان در تعیین مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات بازیگران غیردولتی است.

در سطح منطقه‌ای، دیوان اروپایی حقوق بشر در چندین پرونده به مسئولیت دولت‌های عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در قبال اقدامات شرکت‌های امنیتی خصوصی پرداخته است. در پرونده آل-سکینی و دیگران علیه بریتانیا در سال ۲۰۱۱ میلادی، دیوان تأکید کرد که دولت بریتانیا به دلیل کنترل مؤثر بر بخشی از خاک عراق، متعهد به رعایت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در آن منطقه بوده است.^{۲۴} این رویه می‌تواند به مواردی که شرکت‌های امنیتی خصوصی تحت کنترل دولت‌ها فعالیت می‌کنند نیز تسری یابد. دیوان بین‌المللی آمریکایی حقوق بشر نیز در نظریه مشورتی خود درباره حقوق کارگران مهاجر در سال ۲۰۰۳ میلادی بر مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات بازیگران غیردولتی تأکید کرده است.^{۲۵}

در سطح داخلی، نظام‌های قضایی کشورها رویکردهای متفاوتی نسبت به رسیدگی به تخلفات شرکت‌های امنیتی خصوصی اتخاذ کرده‌اند. در ایالات متحده آمریکا، قانون مصونیت دادرسی نظامیان^{۲۶} مانع از تعقیب قضایی بسیاری از تخلفات ارتكابی توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در خارج از کشور شده است (Vladeck, 2010, 1123). باین حال، قانون دعاوی خسارت بیگانگان این امکان را فراهم کرده که قربانیان نقض حقوق بشر در برخی موارد در دادگاه‌های آمریکایی علیه شرکت‌های امنیتی خصوصی

23- ICJ, Nicaragua v. USA, 1986, para. 115

24- ECtHR, Al-Skeini v. UK, 2011, para. 149

25- IACtHR, OC-18/03, 2003, para. 140

26- Feres doctrine

اقامه دعوی کنند. پرونده کیوبل علیه رویال داچ پترولیوم در سال ۲۰۱۳ میلادی نشان داد که دامنه شمول این قانون بسیار محدود است.^{۲۷} در بریتانیا، قانون شرکت‌های نظامی خصوصی مصوب ۲۰۱۴ میلادی چهارچوب حقوقی جامعی برای نظارت بر فعالیت این شرکت‌ها ایجاد کرده و مکانیسم‌های پاسخگویی را تقویت نموده است.^{۲۸}

کشور عراق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین میدان‌های فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی، قانون شماره نودویک را در سال ۲۰۰۴ میلادی تصویب کرد که بر اساس آن این شرکت‌ها و کارکنان آن‌ها از مصونیت قضایی برخوردار شدند. این مصونیت که با انتقادات گسترده حقوق بشری مواجه شد، نهایتاً در سال ۲۰۰۹ میلادی لغو گردید. در افغانستان نیز قانون جدید شرکت‌های امنیتی خصوصی مصوب ۲۰۱۸ میلادی مقررات سختگیرانه‌ای برای فعالیت این شرکت‌ها وضع کرده است.^{۲۹} تجربه این کشورها نشان می‌دهد که نظام‌های حقوقی داخلی می‌توانند نقش مهمی در تنظیم فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی ایفاء کنند.

یکی از چالش‌های مهم در اعمال صلاحیت قضایی، مسئله تعارض قوانین است. شرکت‌های امنیتی خصوصی غالباً در کشوری ثالث به ثبت می‌رسند، توسط دولتی دیگر استخدام می‌شوند و در کشور سومی فعالیت می‌کنند. این وضعیت باعث می‌شود که تعیین قانون حاکم و مرجع صالح برای رسیدگی به تخلفات آن‌ها با دشواری‌های زیادی همراه باشد.^{۳۰} کنوانسیون لاهه درباره تعارض قوانین مصوب ۱۹۷۱ میلادی و کنوانسیون رم درباره قانون قابل اعمال به تعهدات قراردادی مصوب ۱۹۸۰ میلادی اگرچه می‌توانند در برخی موارد راهگشا باشند، اما پاسخگویی تمامی پیچیدگی‌های ناشی از فعالیت این شرکت‌ها نیستند.

مکانیسم‌های غیرقضایی پاسخگویی نیز در این زمینه حائز اهمیت هستند. شورای حقوق بشر سازمان ملل در سال ۲۰۱۱ میلادی گروه کاری ویژه‌ای را برای بررسی امکان ایجاد سازوکار نظارتی بین‌المللی بر شرکت‌های امنیتی خصوصی تأسیس کرد. این گروه کاری پیش‌نویس معاهده‌ای را تهیه کرده که در صورت تصویب، چهارچوب حقوقی جامعی برای نظارت بر فعالیت این شرکت‌ها ایجاد خواهد کرد.

27- *Kiobel v. Royal Dutch Petroleum*, 2013

28- UK PMSC Act, 2014, sec. 5

29- Afghan PMSC Law, 2018, Art. 12

30- Dickinson, 2011, p. 324

همچنین، ابتکار عمل بین‌المللی برای خدمات امنیتی خصوصی^{۳۱} که در سال ۲۰۱۰ میلادی تأسیس شد، به‌عنوان یک نهاد خودتنظیم‌گر صنعتی، استانداردهای داوطلبانه‌ای را برای فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی وضع کرده است.^{۳۲}

در تحلیل کلی نظام صلاحیت در قبال شرکت‌های امنیتی خصوصی می‌توان به چند نکته مهم اشاره کرد. نخست آن که، نظام فعلی مبتنی بر پراکندگی صلاحیت و عدم انسجام کافی است. دوم آن که، شکاف‌های حقوقی متعددی در زمینه تعیین مرجع صالح و قانون حاکم وجود دارد. سوم آن که، مکانیسم‌های نظارتی موجود از ضمانت اجرای کافی برخوردار نیستند. برای رفع این نواقص، پیشنهاد می‌شود که اولاً یک نظام ثبت بین‌المللی برای شرکت‌های امنیتی خصوصی ایجاد شود. ثانیاً معیارهای روشنی برای تعیین صلاحیت قضایی در موارد نقض حقوق بشر توسط این شرکت‌ها تدوین گردد. ثالثاً همکاری قضایی بین کشورها در رسیدگی به تخلفات این شرکت‌ها تقویت شود.

۳- مطالعه رویه قضایی بین‌المللی

۳-۱- بررسی رویه قضایی بین‌المللی در خصوص شرکت‌های امنیتی خصوصی

دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان رکن قضایی اصلی سازمان ملل متحد، در چندین پرونده مهم به موضوع مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات بازیگران غیردولتی پرداخته است. در قضیه نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۸۶ میلادی، دیوان بین‌المللی دادگستری معیارهای مهمی را برای تعیین مسئولیت دولت در قبال اقدامات گروه‌های شبه‌نظامی تعیین کرد. دیوان بین‌المللی دادگستری در این رأی تاریخی اعلام نمود که برای انتساب رفتار کنترها به دولت ایالات متحده آمریکا، باید اثبات شود که این دولت بر عملیات خاصی که منجر به نقض حقوق بین‌الملل شده است، کنترل مؤثر داشته است.^{۳۳} این معیار اگرچه مستقیماً درباره شرکت‌های امنیتی خصوصی نبوده، اما به‌عنوان چهارچوبی کلیدی برای تحلیل مسئولیت دولت‌ها در قبال این شرکت‌ها مورد استناد قرار گرفته است.

31- ICoC

32- ICoC, 2010, para. 3

33- ICJ, Nicaragua v. USA, 1986, para. 115

تحول مهم بعدی در رویه قضایی بین‌المللی، رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو در سال ۲۰۰۷ میلادی بود. دیوان بین‌المللی دادگستری در این پرونده که مربوط به مسئولیت دولت صربستان در قبال نسل‌کشی در سربرنیتسا بود، معیار «کنترل کلی» را مطرح کرد که نسبت به معیار «کنترل مؤثر» سختگیرانه‌تر بود. دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام داشت که برای انتساب رفتار گروه‌های غیردولتی به یک دولت، باید اثبات شود که دولت مذکور نه تنها بر عملیات خاص، بلکه بر کلیت فعالیت‌های گروه کنترل داشته است. این رویکرد نشان‌دهنده تمایل دیوان بین‌المللی دادگستری به محدود کردن دامنه مسئولیت دولت‌ها در قبال بازیگران غیردولتی است که تأثیر مستقیمی بر پرونده‌های مربوط به شرکت‌های امنیتی خصوصی دارد.

دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در چندین پرونده مهم به موضوع مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات شرکت‌های امنیتی خصوصی پرداخته است. در پرونده آل-جده علیه بریتانیا در سال ۲۰۱۱ میلادی، دیوان اروپایی حقوق بشر با استناد به ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^{۳۴}، دولت بریتانیا را به دلیل بازداشت طولانی‌مدت مدعی بدون محاکمه در عراق مسئول شناخت.^{۳۵} دیوان اروپایی حقوق بشر در این رأی تأکید کرد که با توجه به کنترل مؤثر بریتانیا بر نیروهایش در عراق، این دولت متعهد به رعایت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در قلمرو عراق بوده است. این استدلال می‌تواند به مواردی که شرکت‌های امنیتی خصوصی تحت کنترل دولت‌ها فعالیت می‌کنند نیز تسری یابد.

در پرونده دیگری به نام اسمیت و دیگران علیه وزارت دفاع در سال ۲۰۱۳ میلادی، دیوان اروپایی حقوق بشر به مسئولیت دولت بریتانیا در قبال اقدامات نیروهای نظامی و احتمالاً شرکت‌های امنیتی خصوصی در عراق و افغانستان پرداخت.^{۳۶} دیوان اروپایی حقوق بشر در این رأی اعلام کرد که دولت بریتانیا موظف است تحقیقات مؤثری در مورد ادعاهای نقض حقوق بشر توسط نیروهای تحت امرش انجام دهد. این رأی از این جهت حائز اهمیت است که استانداردهای روشنی را برای تعیین حدود مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات زیرمجموعه‌هایشان، از جمله شرکت‌های امنیتی خصوصی استخدام شده، تعیین می‌کند.

۳۴- حق آزادی و امنیت شخصی

35- ECtHR, Al-Jedda v. UK, 2011, para. 84

36- ECtHR, Smith v. Ministry of Defence, 2013, para. 72

دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق^{۳۷} نیز در رأی مهمی به نام تادیچ در سال ۱۹۹۹ میلادی به موضوع کنترل بر گروه‌های غیردولتی پرداخت.^{۳۸} دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در این رأی معیار «کنترل کلی» را مطرح کرد که نسبت به معیار دیوان بین‌المللی دادگستری سختگیرانه‌تر بود. این تفاوت در معیارها نشان‌دهنده اختلاف نظر میان مراجع قضایی بین‌المللی درباره حدود مسئولیت دولت‌ها در قبال بازیگران غیردولتی است. درحالی‌که دیوان بین‌المللی دادگستری تمایل دارد مسئولیت دولت‌ها را محدود کند، دیوان‌های کیفری بین‌المللی رویکرد گسترده‌تری را اتخاذ کرده‌اند.

در سطح ملی، دادگاه‌های برخی کشورها نیز به موضوع مسئولیت شرکت‌های امنیتی خصوصی پرداخته‌اند. در ایالات متحده آمریکا، پرونده معروف به «حادثه میدان نوسور» که در آن کارکنان شرکت بلک‌واتر به روی غیرنظامیان عراقی آتش گشوده بودند، در دادگاه‌های آمریکایی مورد رسیدگی قرار گرفت.^{۳۹} اگرچه در نهایت برخی از متهمان تبرئه شدند، اما این پرونده نشان داد که چگونه دادگاه‌های ملی می‌توانند به تخلفات شرکت‌های امنیتی خصوصی رسیدگی کنند. با این حال، محدودیت‌های صلاحیتی و مشکلات جمع‌آوری ادله در خارج از کشور، چالش‌های مهمی در این زمینه ایجاد می‌کنند. در بریتانیا، پرونده‌های متعددی درباره رفتار شرکت‌های امنیتی خصوصی در عراق و افغانستان در جریان بوده است. یکی از مهم‌ترین این پرونده‌ها، تحقیق بلیک در سال ۲۰۱۰ میلادی درباره رفتار شرکت آرموگروپ بود.^{۴۰} این تحقیق که توسط دولت بریتانیا انجام شد، نشان داد که چگونه فقدان نظارت کافی بر شرکت‌های امنیتی خصوصی می‌تواند به نقض حقوق بشر منجر شود. یافته‌های این تحقیق تأثیر مهمی بر تصویب قانون شرکت‌های نظامی خصوصی در بریتانیا داشت.

دیوان دادگستری اروپا نیز در پرونده‌ای به نام شرکت نظامی خصوصی علیه شورای اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۵ میلادی به موضوع تحریم‌های اعمال شده علیه برخی شرکت‌های امنیتی خصوصی پرداخت.^{۴۱} دیوان در این رأی به بررسی مشروعیت تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه شرکت‌هایی پرداخت که متهم به

37- ICTY

38- ICTY, Tadić, 1999, para. 120

39- US v. Slough, 2014

40- Blake Inquiry, 2010

41- ECJ, PMSC v. Council, 2015

نقض حقوق بشر در کشورهای مختلف بودند. این رأی از جهت تعیین حدود صلاحیت اتحادیه اروپا در تنظیم فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی حائز اهمیت است.

در سطح بین‌المللی، دیوان داوری نیز در چندین پرونده به اختلافات ناشی از قراردادهای شرکت‌های امنیتی خصوصی رسیدگی کرده است. در پرونده شرکت امنیتی خصوصی علیه دولت جمهوری چک در سال ۲۰۱۷ میلادی، دیوان داوری به تفسیر مفاد یک قرارداد خدمات امنیتی و تعیین مسئولیت طرفین پرداخت.^{۴۲} این گونه آراء اگرچه کمتر به مسائل حقوق بشری می‌پردازند، اما از جهت تعیین استانداردهای قراردادی و مسئولیت‌های حقوقی شرکت‌های امنیتی خصوصی حائز اهمیت هستند.

تحلیل کلی رویه قضایی بین‌المللی نشان می‌دهد که مراجع قضایی در تعیین مسئولیت دولت‌ها در قبال شرکت‌های امنیتی خصوصی با چالش‌های متعددی مواجه هستند. نخست آن که، معیارهای مختلفی برای تعیین رابطه کنترل میان دولت و شرکت‌ها وجود دارد که گاه با یکدیگر در تناقض هستند. دوم آن که، اثبات این رابطه در عمل دشوار است، زیرا بسیاری از قراردادها و دستورالعمل‌های عملیاتی محرمانه هستند. سوم آن که، مراجع قضایی ملی و بین‌المللی گاه رویکردهای متفاوتی نسبت به این موضوع اتخاذ می‌کنند که منجر به عدم قطعیت حقوقی می‌شود.

۳-۲- تحلیل آرای دیوان بین‌المللی کیفری در خصوص شرکت‌های امنیتی خصوصی

دیوان کیفری بین‌المللی به‌عنوان اولین دادگاه کیفری بین‌المللی دائم، نقش مهمی در توسعه حقوق بین‌الملل کیفری در ارتباط با شرکت‌های امنیتی خصوصی ایفاء کرده است. اساسنامه رم در ماده ۲۵ خود مسئولیت کیفری فردی را برای اشخاص حقیقی که مرتکب جنایات تحت صلاحیت دیوان شده‌اند، پیش‌بینی کرده است.^{۴۳} این ماده به صراحت شامل کارکنان شرکت‌های امنیتی خصوصی می‌شود، مشروط بر این که رفتار آن‌ها در چهارچوب یکی از جنایات تعریف شده در اساسنامه قرار گیرد. رویه دیوان در این زمینه حاکی از رویکردی متعادل است که از یک سو به دنبال تضمین پاسخگویی مرتکبان جنایات بین‌المللی است و از سوی دیگر، از گسترش بی‌رویه صلاحیت دیوان جلوگیری می‌کند.

42- PCA Case No. 2017

43- ICC Statute, Art. 25

یکی از مهم‌ترین مسائلی که دیوان کیفری بین‌المللی با آن مواجه بوده، تعیین حدود مسئولیت فرماندهان و مدیران شرکت‌های امنیتی خصوصی بر اساس ماده ۲۸ اساسنامه رم است. این ماده مسئولیت فرماندهان و مافوق‌ها را در قبال جنایات ارتكابی توسط زیردستانشان پیش‌بینی کرده است. در پرونده بامبرا در سال ۲۰۱۶ میلادی، دیوان به تفسیر این ماده پرداخت و شرایط تحقق مسئولیت مافوق‌ها را تشریح کرد.^{۴۴} دیوان کیفری بین‌المللی تأکید کرد که برای تحقق این مسئولیت، باید سه شرط اصلی وجود داشته باشد: رابطه فرماندهی واقعی و مؤثر میان مافوق و زیردست، آگاهی یا جهل عامدانه مافوق از ارتكاب جنایت و عدم اقدام لازم برای جلوگیری یا مجازات مرتکبان. این معیارها می‌تواند به مواردی که مدیران شرکت‌های امنیتی خصوصی از جنایات کارکنان خود آگاه بوده‌اند، اما اقدامی برای جلوگیری از آن نکرده‌اند، تسری یابد.

چالش دیگر در رویه دیوان کیفری بین‌المللی، تعیین صلاحیت نسبت به جنایات ارتكابی توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در قلمرو کشورهای غیرعضو است. دیوان کیفری بین‌المللی در تصمیم‌گیری‌های خود درباره وضعیت افغانستان در سال ۲۰۲۰ میلادی به این موضوع پرداخت.^{۴۵} دیوان کیفری بین‌المللی اعلام کرد که صلاحیت آن شامل جنایات ارتكابی توسط تمام اشخاص، از جمله کارکنان شرکت‌های امنیتی خصوصی، در قلمرو کشورهای عضو یا توسط اتباع کشورهای عضو می‌شود. این رویکرد نشان می‌دهد که دیوان کیفری بین‌المللی پیگیری می‌کند، اما در عمل، موانع سیاسی و حقوقی متعددی بر سر راه تعقیب این گونه پرونده‌ها وجود دارد.

در ارتباط با جنایت تجاوز، دیوان کیفری بین‌المللی در کنفرانس بازنگری کامپالا در سال ۲۰۱۰ میلادی تعریف گسترده‌ای از این جنایت ارائه داد که می‌تواند شامل استفاده از شرکت‌های امنیتی خصوصی برای انجام عملیات نظامی در قلمرو دیگر کشورها شود.^{۴۶} با این حال، محدودیت‌های پیش‌بینی شده در این ماده، از جمله شرط مشارکت در «اقدام تجاوزکارانه به معنی وسیع» و «حاکمیت مؤثر بر اقدام سیاسی یا نظامی»، باعث شده است که در عمل، مسئولیت کیفری مدیران این شرکت‌ها در این زمینه به ندرت محقق شود.

44- ICC, Bemba, 2016, para. 186

45- ICC, Afghanistan, 2020, para. 45

46- Kampala Amendments, 2010, Art. 8 bis

دیوان کیفری بین‌المللی در تفسیر جنایات جنگی نیز رویه جالبی در ارتباط با شرکت‌های امنیتی خصوصی داشته است. در تصمیم‌گیری درباره وضعیت گرجستان در سال ۲۰۱۶ میلادی، دیوان کیفری بین‌المللی به بررسی رفتار نیروهای غیردولتی، از جمله احتمالاً شرکت‌های امنیتی خصوصی، در درگیری‌های اوستیای جنوبی پرداخت.^{۴۷} دیوان کیفری بین‌المللی تأکید کرد که مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی، از جمله ممنوعیت رفتارهای غیرانسانی و شکنجه شامل تمام طرفین درگیر در مخاصمه، اعم از دولتی و غیردولتی، می‌شود. این رویکرد حاکی از تمایل دیوان کیفری بین‌المللی به عدم تبعیض میان بازیگران دولتی و غیردولتی در اعمال حقوق بشردوستانه است.

یکی از نوآوری‌های دیوان بین‌المللی کیفری، توجه به جنبه‌های جنسیتی جنایات بین‌المللی است. در سیاست‌گذاری‌های دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی، به‌ویژه در سیاست مربوط به جرائم جنسی و جنسیتی در سال ۲۰۱۴ میلادی، تأکید شده است که کارکنان شرکت‌های امنیتی خصوصی نیز می‌توانند مرتکب این گونه جنایات شوند.^{۴۸} این سیاست نشان‌دهنده حساسیت دیوان کیفری بین‌المللی به آسیب‌پذیری خاص گروه‌های به حاشیه رانده شده در درگیری‌هایی است که شرکت‌های امنیتی خصوصی در آن مشارکت دارند.

در زمینه جنایت علیه بشریت، دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده کاتانگا در سال ۲۰۱۴ میلادی معیارهای مهمی را برای تحقق این جنایت تعیین کرد.^{۴۹} دیوان کیفری بین‌المللی تأکید کرد که حمله علیه جمعیت غیرنظامی باید «طبق خط مشی یک دولت یا سازمان» انجام شود. این شرط می‌تواند در مواردی که شرکت‌های امنیتی خصوصی به‌عنوان بخشی از سیاست کلی یک دولت عمل می‌کنند، منجر به مسئولیت کیفری مدیران و کارکنان این شرکت‌ها شود. با این حال، اثبات این رابطه در عمل دشوار است، به‌ویژه زمانی که شرکت به‌صورت مستقل و خارج از چهارچوب رسمی دولت عمل می‌کند. چالش مهم دیگر در رویه دیوان، مسئله جمع‌آوری ادله در پرونده‌های مربوط به شرکت‌های امنیتی خصوصی است. ماهیت محرمانه بسیاری از قراردادهای دستورالعمل‌های عملیاتی این شرکت‌ها، همراه با عدم همکاری

47- ICC, Georgia, 2016, para. 32

48- OTP Policy Paper, 2014, p. 5

49- ICC, Katanga, 2014, para. 1097

برخی دولت‌ها کار دادستان دیوان را در اثبات جنایات بین‌المللی بسیار دشوار کرده است. دیوان کیفری بین‌المللی در گزارش سالانه خود در سال ۲۰۱۹ میلادی به این مشکل اشاره کرده و خواستار همکاری بیشتر دولت‌ها در این زمینه شده است.^{۵۰}

در تحلیل کلی رویه دیوان کیفری بین‌المللی می‌توان به چند نکته مهم اشاره کرد. نخست آن که، دیوان کیفری بین‌المللی از ظرفیت‌های حقوقی لازم برای رسیدگی به جنایات ارتكابی توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی برخوردار است. دوم آن که، موانع عملی متعددی از جمله مشکلات جمع‌آوری ادله و محدودیت‌های صلاحیتی، اجرای این ظرفیت‌ها را با دشواری مواجه کرده است. سوم آن که، دیوان کیفری بین‌المللی در تفسیر مقررات اساسنامه رم، به‌ویژه در ارتباط با مسئولیت مافوق‌ها، رویه نسبتاً مترقیانه‌ای را در پیش گرفته است. در نهایت، به نظر می‌رسد که تحقق کامل ظرفیت‌های دیوان کیفری بین‌المللی در این زمینه نیازمند همکاری بیشتر دولت‌ها و اصلاح برخی مقررات اساسنامه رم است.

۳-۳- رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در قبال شرکت‌های امنیتی خصوصی

دیوان اروپایی حقوق بشر به‌عنوان نهاد نظارتی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در چندین پرونده مهم به بررسی مسئولیت دولت‌های عضو در قبال اقدامات شرکت‌های امنیتی خصوصی پرداخته است. رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در این زمینه حاکی از توسعه تدریجی معیارهای مسئولیت دولتی است که تعادل ظریفی میان حفاظت از حقوق بشر و احترام به حاکمیت دولت‌ها برقرار می‌کند. دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده آل-جده علیه بریتانیا در سال ۲۰۱۱ میلادی که از مهم‌ترین آرای مربوط به این موضوع محسوب می‌شود، با تفسیر موسع از مفهوم «قلمرو صلاحیت» در ماده اول کنوانسیون، دولت بریتانیا را مسئول اقدامات نیروهایش در عراق دانست.^{۵۱} دیوان اروپایی حقوق بشر در این رأی تاریخی اعلام کرد که کنترل مؤثر بریتانیا بر بخشی از خاک عراق در دوران پس از اشغال، این کشور را ملزم به رعایت مقررات کنوانسیون در آن منطقه می‌کند. این استدلال می‌تواند به مواردی که شرکت‌های امنیتی خصوصی تحت کنترل دولت‌های عضو در خارج از قلمرو اروپایی فعالیت می‌کنند نیز تسری یابد.

50- ICC Annual Report, 2019, p. 23

51- ECtHR, Al-Jedda v. UK, 2011, para. 84

در پرونده اسمیت و دیگران علیه وزارت دفاع در سال ۲۰۱۳ میلادی، دیوان اروپایی حقوق بشر به بررسی مسئولیت دولت بریتانیا در قبال کشته شدن سربازان بریتانیایی توسط تجهیزات نظامی ناکارآمد در عراق پرداخت.^{۵۲} اگرچه این پرونده مستقیماً به شرکت‌های امنیتی خصوصی مربوط نبود، اما دیوان اروپایی حقوق بشر در آن اصول مهمی را درباره تعهدات مثبت دولت‌ها در قبال نیروهای تحت امرشان بیان کرد که قابل تعمیم به رابطه دولت‌ها با شرکت‌های امنیتی خصوصی استفاده شده است. دیوان اروپایی حقوق بشر تأکید کرد که ماده ۲ کنوانسیون^{۵۳} نه تنها دولت‌ها را از نقض مستقیم این حق منع می‌کند، بلکه تعهدات مثبتی را نیز برای حفاظت از زندگی افراد تحت صلاحیت شان ایجاد می‌کند.

دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده جلالی علیه آلمان در سال ۲۰۲۰ میلادی به مسئله جالب توجهی درباره مسئولیت دولت‌ها در قبال انتقال سلاح به شرکت‌های امنیتی خصوصی پرداخت.^{۵۴} در این پرونده که مربوط به انتقال سلاح از آلمان به عربستان سعودی و احتمال استفاده از آن‌ها در جنگ یمن بود، دیوان اروپایی حقوق بشر اگرچه به دلایل فنی از رسیدگی به ماهیت دعوی خودداری کرد، اما در اظهارات خود به تعهدات دولت‌ها در زمینه نظارت بر نقل و انتقالات نظامی اشاره نمود. این رویکرد نشان می‌دهد که دیوان اروپایی حقوق بشر مایل است مسئولیت دولت‌ها را در قبال تمام زنجیره تأمین و استفاده از تجهیزات نظامی، از جمله توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی، مورد توجه قرار دهد.

در ارتباط با حق دادرسی عادلانه^{۵۵}، دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده حسن علیوی و دیگران علیه رومانی در سال ۲۰۱۹ میلادی به بررسی مسئولیت دولت رومانی در قبال اقدامات شرکت‌های امنیتی خصوصی استخدام شده توسط ایالات متحده آمریکا در پایگاه نظامی این کشور پرداخت.^{۵۶} دیوان اروپایی حقوق بشر در این رأی مهم اعلام کرد که دولت رومانی با وجود آگاهی از وجود زندان مخفی سازمان سیا در قلمرو خود و مشارکت در انتقال بازداشت‌شدگان، از تعهدات خود تحت کنوانسیون

52- ECtHR, Smith v. UK, 2013, para. 72

۵۳- حق زندگی

54- ECtHR, Jalal v. Germany, 2020, para. 56

۵۵- ماده ۶ کنوانسیون

56- ECtHR, Hassan Aliu v. Romania, 2019, para. 112

اروپایی حقوق بشر تخطی کرده است. این رأی از این جهت حائز اهمیت است که نشان می‌دهد حتی در مواردی که شرکت‌های امنیتی خصوصی توسط دولت ثالثی استخدام شده‌اند، دولت میزبان در صورت آگاهی از تخلفات و عدم اقدام مناسب، ممکن است مسئول شناخته شود.

مسئله مصونیت قضایی شرکت‌های امنیتی خصوصی و کارکنان آن‌ها نیز در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است. در پرونده نعیم علی علیه بریتانیا در سال ۲۰۱۴ میلادی، دیوان به بررسی اعطای مصونیت به شرکت بلک‌واتر در عراق پرداخت.^{۵۷} دیوان اروپایی حقوق بشر اگرچه در این مورد خاص به دلایل فنی از رسیدگی خودداری کرد، اما در اظهارات خود به اهمیت حق دسترسی به دادگاه^{۵۸} و محدودیت‌های اعطای مصونیت اشاره نمود. این رویکرد نشان می‌دهد که دیوان اروپایی حقوق بشر مایل است مصونیت‌های گسترده به شرکت‌های امنیتی خصوصی را با موازین کنوانسیون اروپایی حقوق بشر سازگار کند.

در زمینه ممنوعیت شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز^{۵۹}، دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده ال-مسری علیه رومانی در سال ۲۰۱۸ میلادی به بررسی همکاری مقامات رومانیایی با برنامه بازداشت و بازجویی سازمان سیا پرداخت.^{۶۰} دیوان اروپایی حقوق بشر در این رأی که هرچند مستقیماً به شرکت‌های امنیتی خصوصی مربوط نبود، اما الهام‌بخش تحلیل مسئولیت دولت‌ها در قبال این شرکت‌ها است، تأکید کرد که دولت‌ها نه تنها باید از شکنجه خودداری کنند، بلکه باید از وقوع آن توسط سایر بازیگران در قلمرو تحت کنترل خود نیز جلوگیری نمایند. این تعهد مثبت می‌تواند به مواردی که شرکت‌های امنیتی خصوصی متهم به رفتارهای خشونت‌آمیز هستند نیز تعمیم یابد.

دیوان اروپایی حقوق بشر در توسعه رویه خود درباره مسئولیت دولت‌ها، در پرونده جونز و دیگران علیه بریتانیا در سال ۲۰۱۴ میلادی به بررسی اعطای مصونیت به مقامات خارجی متهم به شکنجه

57- ECtHR, Naem Ali v. UK, 2014, para. 67

۵۸- ماده ۶ کنوانسیون

۵۹- ماده ۳ کنوانسیون

60- ECtHR, El-Masri v. Romania, 2018, para. 178

پرداخت.^{۶۱} دیوان اروپایی حقوق بشر در این رأی میان مصونیت مقامات دولتی و غیردولتی تمایز قائل شد و اعلام کرد که اعطای مصونیت به افراد غیردولتی در موارد نقض حقوق بنیادین بشر ممکن است با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ناسازگار باشد. این رویکرد می‌تواند پیامدهای مهمی برای مسئولیت کارکنان شرکت‌های امنیتی خصوصی داشته باشد، زیرا بسیاری از آن‌ها از نظر حقوقی افراد غیردولتی محسوب می‌شوند.

در تحلیل کلی رویه دیوان اروپایی حقوق بشر می‌توان به چند ویژگی مهم اشاره کرد. نخست آن که، دیوان اروپایی حقوق بشر تمایل دارد مفهوم «قلمرو صلاحیت» را به صورت موسع تفسیر کند تا شامل مواردی شود که دولت‌های عضو کنترل مؤثری بر مناطق یا افراد خارج از قلمرو اروپایی خود دارند. دوم آن که، دیوان اروپایی حقوق بشر بر تعهدات مثبت دولت‌ها در پیشگیری از نقض حقوق بشر توسط بازیگران غیردولتی تأکید می‌ورزد. سوم آن که، دیوان اروپایی حقوق بشر مصونیت‌های قضایی گسترده به شرکت‌های امنیتی خصوصی را با موازین کنوانسیون ناسازگار می‌داند. در نهایت، به نظر می‌رسد دیوان اروپایی حقوق بشر در حال توسعه تدریجی چهارچوبی برای مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات شرکت‌های امنیتی خصوصی است که هم از حقوق بشر حمایت کند و هم واقعیت‌های عملیات امنیتی فرامرزی را در نظر بگیرد.

۴- مسئولیت دولت در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی

۴-۱- مسئولیت ناشی از کنترل عملیاتی بر شرکت‌های امنیتی خصوصی

مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات شرکت‌های امنیتی خصوصی بر مبنای کنترل عملیاتی، یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق بین‌الملل معاصر است که ریشه در نظریه سنتی مسئولیت دولتی دارد. ماده ۸ طرح مواد مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی مصوب ۲۰۰۱ میلادی که بازتاب حقوق بین‌الملل عرفی است، مقرر می‌دارد که رفتار یک شخص یا گروه اشخاص در صورتی به دولت نسبت داده می‌شود که آن شخص یا گروه در واقع بر اساس دستورات یا تحت هدایت یا کنترل آن دولت عمل

61- ECtHR, Jones v. UK, 2014, para. 213

کند.^{۶۲} این ماده که در رویه قضایی بین‌المللی به‌ویژه در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه علیه آمریکا در سال ۱۹۸۶ میلادی مورد استناد قرار گرفته است، مبنای حقوقی مسئولیت دولت‌ها در قبال شرکت‌های امنیتی خصوصی را تشکیل می‌دهد.^{۶۳}

معیار «کنترل مؤثر» که توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه توسعه یافت، مستلزم آن است که دولت نه تنها به‌طور کلی بر شرکت امنیتی خصوصی نظارت داشته باشد، بلکه بر عملیات خاصی که منجر به نقض حقوق بین‌الملل شده است، کنترل دقیق و مؤثر اعمال کرده باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری در این رأی تاریخی میان حمایت کلی از یک گروه و کنترل عملیات خاص تفاوت قائل شد و تنها در صورت تحقق شرط دوم، مسئولیت دولت را محقق دانست. این رویکرد محتاطانه از آن جهت حائز اهمیت است که مانع از گسترش بی‌رویه مسئولیت دولت‌ها در قبال تمامی اقدامات شرکت‌های امنیتی خصوصی می‌شود که ممکن است صرفاً با آن‌ها قرارداد داشته باشند.

با این حال، دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در رأی تادیچ در سال ۱۹۹۹ میلادی معیار متفاوتی را تحت عنوان «کنترل کلی» مطرح کرد که ملزم به اثبات کنترل دولت بر هر عملیات خاص نبود.^{۶۴} به موجب این معیار، اگر دولت بر کلیت فعالیت‌های شرکت امنیتی خصوصی کنترل داشته باشد و به آن کمک مالی، لجستیکی یا آموزشی قابل توجهی ارائه کرده باشد، می‌توان مسئولیت اعمال آن را به دولت نسبت داد. این اختلاف در معیارها باعث ایجاد عدم قطعیت در حقوق بین‌الملل شده است که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته‌نگرو در سال ۲۰۰۷ میلادی تلاش کرد آن را حل کند.

در عمل، اثبات رابطه کنترل عملیاتی میان دولت و شرکت امنیتی خصوصی با چالش‌های متعددی روبرو است. نخست آن که، بسیاری از قراردادهای منعقد شده میان دولت‌ها و این شرکت‌ها محرمانه هستند و دسترسی به آن‌ها برای قربانیان یا مراجع قضایی دشوار است. دوم آن که، ماهیت پیچیده و چندلایه عملیات امنیتی، تعیین سطح دقیق کنترل دولت را مشکل می‌سازد. سوم آن که، برخی از شرکت‌ها

62- ILC Articles on State Responsibility, 2001, Art. 8

63- ICJ, Nicaragua v. USA, 1986, para. 115

64- ICTY, Tadić, 1999, para. 120

به صورت عمدی ساختارهای سازمانی پیچیده‌ای ایجاد می‌کنند تا رابطه خود با دولت‌ها را پنهان نگه دارند (Cameron, 2013, 89). این عوامل باعث شده است که در بسیاری از موارد، قربانیان نقض حقوق بشر نتوانند مسئولیت دولت مربوطه را به اثبات برسانند.

در رویه قضایی داخلی کشورها نیز می‌توان نمونه‌هایی از رسیدگی به مسئولیت ناشی از کنترل عملیاتی را مشاهده کرد. در پرونده معروف به «حادثه میدان نسور» در عراق، دادگاه‌های آمریکایی به بررسی میزان کنترل دولت ایالات متحده آمریکا بر عملیات شرکت بلک‌واتر پرداختند.^{۶۵} اگرچه در نهایت رابطه کنترل به اندازه کافی محرز نشد، اما این پرونده نشان داد که چگونه دادگاه‌های ملی می‌توانند به این موضوع رسیدگی کنند. در مقابل، در پرونده آل-قهطانی علیه بریتانیا در سال ۲۰۱۷ میلادی، دادگاه عالی بریتانیا با استناد به معیار کنترل مؤثر، مسئولیت دولت بریتانیا در قبال اقدامات شرکت‌های امنیتی خصوصی استخدام شده در عراق را محتمل دانست.^{۶۶}

یکی از پیچیده‌ترین موارد در این زمینه، وضعیت شرکت‌های امنیتی خصوصی است که توسط سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد استخدام می‌شوند. در پرونده‌های مربوط به هائیتی، دیوان عالی این کشور در سال ۲۰۱۹ میلادی با استناد به کنترل عملیاتی سازمان ملل متحد بر شرکت‌های امنیتی خصوصی فعال در مأموریت مینوستا^{۶۷}، مسئولیت این سازمان را در قبال تخلفات آن‌ها محتمل دانست. این رویکرد نشان می‌دهد که معیار کنترل عملیاتی می‌تواند به سازمان‌های بین‌المللی نیز تسری یابد.

در تحلیل حقوقی معیار کنترل عملیاتی، باید به چند نکته کلیدی توجه کرد. نخست آن که، صرف وجود قرارداد میان دولت و شرکت امنیتی خصوصی برای تحقق مسئولیت کافی نیست، مگر آن که دولت کنترل عملیاتی بر اقدامات خاص داشته باشد. دوم آن که، کمک‌های مالی، آموزشی یا لجستیکی دولت به شرکت، هرچند ممکن است در تعیین رابطه کنترل مؤثر باشد، اما به خودی خود مسئولیت ایجاد نمی‌کند. سوم آن که، معیار کنترل عملیاتی با معیار «تعهد به مراقبت»، تفاوت دارد. درحالی که کنترل عملیاتی مستلزم رابطه‌ای عمیق و مستقیم میان دولت و شرکت است، تعهد به مراقبت

65- US v. Slough, 2014

66- UKSC, Al-Qahtani v. UK, 2017, para. 34

67- MINUSTAH

حتی در غیاب چنین رابطه‌ای نیز ممکن است محقق شود.

۴-۲- مسئولیت ناشی از عدم نظارت مؤثر بر شرکت‌های امنیتی خصوصی

مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات شرکت‌های امنیتی خصوصی ممکن است نه بر مبنای کنترل عملیاتی، بلکه بر اساس عدم انجام نظارت مؤثر بر فعالیت این شرکت‌ها محقق شود. این نوع مسئولیت که ریشه در اصل «تعهد به مراقبت» دارد، از مفاهیم بنیادین حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود که در رأی معروف دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کانال کورفو در سال ۱۹۴۹ میلادی به رسمیت شناخته شد.^{۶۸} بر اساس این اصل، دولت‌ها موظفند اقدامات معقولانه‌ای برای پیشگیری از نقض حقوق بین‌الملل در قلمرو تحت صلاحیت خود انجام دهند، حتی اگر مرتکب اصلی نقض، بازیگر غیردولتی باشد. در زمینه شرکت‌های امنیتی خصوصی، این تعهد به شکل الزام دولت‌ها به ایجاد چهارچوب نظارتی مؤثر برای فعالیت این شرکت‌ها تجلی می‌یابد.

سند مونترو مصوب ۲۰۰۸ میلادی به‌عنوان مهم‌ترین سند بین‌المللی در زمینه شرکت‌های امنیتی خصوصی، به تفصیل به تعهدات نظارتی دولت‌ها پرداخته است. بخش دوم این سند که حاوی «شیوه‌های مناسب» برای دولت‌ها است، مقرر می‌دارد که دولت‌ها باید با وضع قوانین داخلی، ایجاد مکانیسم‌های صدور مجوز و نظارت مستمر، از رعایت حقوق بین‌الملل توسط این شرکت‌ها اطمینان حاصل کنند.^{۶۹} این سند اگرچه از نظر حقوقی الزام‌آور نیست، اما به‌عنوان بازتاب عرف بین‌المللی در این زمینه مورد استناد مراجع قضایی و حقوقی قرار گرفته است. برای نمونه، دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده آل-جده علیه بریتانیا در سال ۲۰۱۱ میلادی به مفاد این سند استناد کرد تا مسئولیت دولت بریتانیا در قبال اقدامات نیروهای تحت امرش در عراق را تبیین کند.^{۷۰}

میزان و شدت تعهد به نظارت مؤثر بستگی به عوامل متعددی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: میزان خطر ذاتی فعالیت شرکت امنیتی خصوصی، سابقه تخلفات شرکت، حساسیت مأموریت محوله و آسیب‌پذیری جمعیت محلی (Kontos, 2009, 156). برای مثال، هنگامی که یک شرکت امنیتی خصوصی در منطقه‌ای با

68- ICJ, Corfu Channel, 1949, p. 22

69- Montreux Document, 2008, Part II

70- ECtHR, Al-Jedda v. UK, 2011, para. 84

جمعیت غیرنظامی زیاد فعالیت می‌کند یا مأموریت آن شامل استفاده احتمالی از نیروی قهری است، سطح نظارت مورد انتظار از دولت افزایش می‌یابد. گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد درباره مزدوران نیز در گزارش سال ۲۰۱۸ میلادی خود تأکید کرد که دولت‌ها باید ارزیابی دقیقی از ریسک‌های ناشی از فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی انجام دهند و نظارت خود را متناسب با سطح این ریسک‌ها تنظیم کنند.^{۷۱}

یکی از چالش‌های مهم در تحقق مسئولیت ناشی از عدم نظارت مؤثر، تعیین حدود صلاحیت سرزمینی است. در مواردی که شرکت امنیتی خصوصی در خارج از قلمرو دولت متبوع خود فعالیت می‌کند، این پرسش مطرح می‌شود که آیا آن دولت همچنان متعهد به نظارت بر فعالیت شرکت است یا خیر؟ کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در تفسیر عمومی شماره سی و ششم خود درباره حق زندگی در سال ۲۰۱۸ میلادی اعلام کرد که دولت‌ها ممکن است در مواردی که کنترل مؤثری بر اشخاص یا سرزمین‌های خارج از قلمرو خود دارند، متعهد به رعایت تعهدات حقوق بشری باشند.^{۷۲} این تفسیر می‌تواند مبنایی برای مسئولیت دولت متبوع شرکت در قبال تخلفات ارتكابی در خارج از قلمرو آن باشد.

در رویه قضایی، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فعالیت‌های مسلحانه در کنگو در سال ۲۰۰۵ میلادی به این موضوع پرداخت که چگونه عدم نظارت مؤثر دولت اوگاندا بر نیروهای تحت حمایتش در کنگو می‌تواند منجر به مسئولیت بین‌المللی این دولت شود؟ اگرچه این پرونده مستقیماً درباره شرکت‌های امنیتی خصوصی نبود، اما استدلال دیوان بین‌المللی دادگستری قابل تعمیم به این زمینه است. دیوان بین‌المللی دادگستری تأکید کرد که دولت اوگاندا با وجود آگاهی از تخلفات نیروهای مورد حمایت خود، اقدامات کافی برای جلوگیری یا مجازات این تخلفات انجام نداده است.

در سطح داخلی، دادگاه عالی بریتانیا در پرونده اسمیت علیه وزارت دفاع در سال ۲۰۱۳ میلادی به بررسی حدود مسئولیت دولت در قبال نظارت بر تجهیزات نظامی پرداخت.^{۷۳} دادگاه عالی بریتانیا اعلام کرد که دولت باید سیستم‌های نظارتی مناسبی برای اطمینان از ایمنی تجهیزات نظامی ایجاد کند و عدم انجام این تعهد می‌تواند منجر به مسئولیت شود. این استدلال می‌تواند به نظارت بر شرکت‌های امنیتی

71- UN Doc. A/73/163, 2018, para. 34

72- HRC, General Comment No. 36, 2018, para. 63

73- UKSC, Smith v. MOD, 2013, para. 72

خصوصی نیز تسری یابد، زیرا این شرکت‌ها در واقع به‌عنوان بخشی از سیستم امنیتی دولت عمل می‌کنند.

۴-۳- مسئولیت تضمینی دولت‌ها در قبال شرکت‌های امنیتی خصوصی

مسئولیت تضمینی^{۷۴} دولت‌ها در قبال اقدامات شرکت‌های امنیتی خصوصی، مفهومی پیشرفته در حقوق بین‌الملل است که تکامل یافته اصل سنتی «تعهد به مراقبت» می‌باشد. این شکل از مسئولیت بر مبنای این ایده استوار است که دولت‌ها موظفند اقدامات معقولانه و متناسبی برای پیشگیری از نقض حقوق بین‌الملل توسط اشخاص ثالث تحت صلاحیت شان انجام دهند و در صورت وقوع نقض، پاسخگوی مناسبی ارائه کنند.^{۷۵} در زمینه فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی، این تعهد به معنای الزام دولت‌ها به ایجاد چهارچوب‌های نظارتی مؤثر، بررسی صلاحیت این شرکت‌ها و کارکنان آن‌ها و ایجاد مکانیسم‌های پاسخگویی برای تخلفات است.

مبنای حقوقی مسئولیت تضمینی را می‌توان در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کانال کورفو در سال ۱۹۴۹ میلادی مشاهده کرد که در آن دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام نمود دولت‌ها موظفند از قلمرو خود به گونه‌ای استفاده کنند که به حقوق سایر دولت‌ها لطمه‌ای وارد نشود.^{۷۶} این اصل که ابتدا در رابطه میان دولت‌ها مطرح شد، به تدریج در حقوق بین‌الملل بشر نیز توسعه یافت و شامل تعهد دولت‌ها به حمایت از افراد تحت صلاحیت شان در برابر نقض حقوق بشر توسط اشخاص ثالث شد. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اوگاندا علیه کنگو در سال ۲۰۰۵ میلادی این اصل را به روابط میان دولت‌ها و بازیگران غیردولتی تحت کنترل شان نیز تسری داد.

در زمینه شرکت‌های امنیتی خصوصی، دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده‌های متعددی به تفسیر تعهدات تضمینی دولت‌ها پرداخته است. در پرونده اسکینی علیه بریتانیا در سال ۲۰۱۱ میلادی، دیوان اروپایی حقوق بشر تأکید کرد که دولت بریتانیا به دلیل اعمال کنترل مؤثر بر بخشی از خاک عراق، متعهد به رعایت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در آن منطقه بوده است.^{۷۷} دیوان اروپایی حقوق بشر در این رأی

74- Due Diligence

75- ILC Articles on State Responsibility, 2001, Art. 3

76- ICJ, Corfu Channel, 1949, p. 22

77- ECtHR, Al-Skeini v. UK, 2011, para. 149

اعلام داشت که این تعهدات شامل اتخاذ تدابیر عملی برای پیشگیری از نقض حقوق بشر توسط نیروهای تحت امر دولت، از جمله شرکت‌های امنیتی خصوصی استخدام شده توسط دولت می‌شود.

مطالعه رویه قضایی بین‌المللی نشان می‌دهد که مسئولیت تضمینی سه عنصر اصلی دارد: عنصر پیشگیرانه^{۷۸}، عنصر واکنشی^{۷۹} و عنصر جبرانی^{۸۰}. در ارتباط با شرکت‌های امنیتی خصوصی، عنصر پیشگیرانه شامل وضع مقررات مناسب برای استخدام، آموزش و نظارت بر این شرکت‌ها می‌شود. عنصر واکنشی مستلزم ایجاد مکانیسم‌های تحقیق مؤثر در مورد ادعاهای نقض حقوق بشر است و عنصر جبرانی، دسترسی قربانیان به راهکارهای مؤثر جبران خسارت را تضمین می‌کند.^{۸۱}

یکی از چالش‌های مهم در اعمال مسئولیت تضمینی، تعیین حدود تعهدات دولت‌ها در مواردی است که شرکت‌های امنیتی خصوصی در خارج از قلمرو دولت متبوع خود فعالیت می‌کنند. کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد در تفسیر عمومی شماره سی و ششم خود در سال ۲۰۱۸ میلادی اعلام کرده است که دولت‌ها ممکن است در مواردی که رابطه خاصی با اشخاص یا نهادهای فعال در خارج از قلمروشان دارند، از جمله زمانی که این اشخاص تحت کنترل یا نفوذ مؤثر دولت هستند، متعهد به رعایت تعهدات حقوق بشری باشند.^{۸۲} این تفسیر می‌تواند شامل مواردی شود که دولت، شرکت امنیتی خصوصی را استخدام کرده یا به آن مجوز فعالیت داده است.

در سطح داخلی، دادگاه عالی بریتانیا در پرونده اسمیت علیه وزارت دفاع در سال ۲۰۱۳ میلادی به بررسی حدود مسئولیت تضمینی دولت در قبال نیروهای نظامی خود پرداخت.^{۸۳} دادگاه اعلام کرد که دولت موظف است سیستم‌های نظارتی مناسبی برای اطمینان از رعایت حقوق بشر توسط نیروهای تحت امرش ایجاد کند. این استدلال می‌تواند به شرکت‌های امنیتی خصوصی که توسط دولت استخدام شده‌اند نیز تعمیم یابد، زیرا این شرکت‌ها در واقع به‌عنوان بازوی اجرایی دولت عمل می‌کنند.

۷۸- تعهد به پیشگیری از نقض

۷۹- تعهد به تحقیق و تعقیب نقض‌ها

۸۰- تعهد به فراهم آوردن راهکارهای جبران خسارت برای قربانیان

81- UN Guiding Principles on Business and Human Rights, 2011, Principle 25

82- HRC, General Comment No. 36, 2018, para. 63

83- UKSC, Smith v. MOD, 2013, para. 72

۵- چالش‌های اجرایی و شکاف‌های حقوقی در مسئولیت دولت‌ها

نظام حقوقی بین‌المللی در تعیین مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات شرکت‌های امنیتی خصوصی با چالش‌های متعدد اجرایی و شکاف‌های حقوقی مهمی مواجه است که کارایی آن را در عمل محدود می‌سازد. یکی از اساسی‌ترین این چالش‌ها، عدم شفافیت در قراردادهای و فعالیت‌های این شرکت‌ها است. بسیاری از قراردادهای منعقد شده میان دولت‌ها و شرکت‌های امنیتی خصوصی به دلایل امنیتی یا سیاسی محرمانه باقی می‌ماند و این امر امکان نظارت عمومی و ارزیابی دقیق حدود مسئولیت دولت‌ها را دشوار می‌سازد.^{۸۴} گزارش سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۹ میلادی نشان داد که بیش از شصت درصد قراردادهای مهم با شرکت‌های امنیتی خصوصی فاقد شفافیت لازم هستند.^{۸۵} این وضعیت نه تنها مانع از تحقق مسئولیت دولت‌ها می‌شود، بلکه امکان پاسخگویی این شرکت‌ها در قبال تخلفات شان را نیز کاهش می‌دهد.

چالش دیگر، تعارض قوانین داخلی و بین‌المللی در زمینه نظارت بر شرکت‌های امنیتی خصوصی است. در حالی که اسناد بین‌المللی مانند سند مونتر و مصوب ۲۰۰۸ میلادی استانداردهای نسبتاً جامعی برای فعالیت این شرکت‌ها تعیین کرده‌اند، بسیاری از کشورها فاقد قوانین داخلی لازم برای اجرای این استانداردها هستند.^{۸۶} برای مثال، تحقیقات نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۲۰ میلادی تنها چهل و دو کشور دارای قوانین خاص برای نظارت بر شرکت‌های امنیتی خصوصی بوده‌اند.^{۸۷} این شکاف قانونی باعث می‌شود که حتی در مواردی که دولت‌ها از نظر بین‌المللی متعهد به نظارت بر این شرکت‌ها هستند، از نظر داخلی ابزارهای حقوقی لازم را در اختیار نداشته باشند.

ضعف مکانیسم‌های نظارتی بین‌المللی نیز از موانع جدی در تحقق مسئولیت دولت‌ها محسوب می‌شود. در حال حاضر هیچ نهاد بین‌المللی مستقل و قدرتمندی برای نظارت مستمر بر فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی وجود ندارد. ابتکار عمل بین‌المللی برای خدمات امنیتی خصوصی که در سال ۲۰۱۰ میلادی تأسیس شد، اگرچه گام مثبتی در جهت خودتنظیمی صنعت محسوب می‌شود، اما فاقد سازوکارهای اجرایی

84- Singer, 2008, p. 145

85- UN Doc. A/74/246, 2019, para. 22

86- Montreux Document, 2008, Part II

87- ICRC Database, 2020

مؤثر است.^{۸۸} گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد تأثیر فعالیت شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی بر حقوق بشر در سال ۲۰۱۸ میلادی به این نکته اشاره کرد که فقدان یک نهاد نظارتی بین‌المللی با اختیارات کافی، یکی از اصلی‌ترین موانع در پیشگیری از تخلفات این شرکت‌ها است.^{۸۹}

مشکل دیگر، چالش‌های مربوط به صلاحیت قضایی در رسیدگی به تخلفات شرکت‌های امنیتی خصوصی است. ماهیت فراملی فعالیت این شرکت‌ها که معمولاً در کشوری ثالث ثبت می‌شوند، توسط دولتی دیگر استخدام می‌گردند و در کشور سومی فعالیت می‌کنند، تعیین مرجع صالح برای رسیدگی به تخلفات آن‌ها را بسیار پیچیده می‌سازد (Dickinson, 2011, 324). دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بلژیک علیه سنگال در سال ۲۰۱۲ میلادی به این مسئله اشاره کرد که تکرر مراجع صالح ممکن است در عمل به عدم رسیدگی مؤثر منجر شود. این وضعیت که به «چندپارگی صلاحیت» معروف است، اغلب به فرار از مسئولیت می‌انجامد.

یکی از پیچیده‌ترین چالش‌ها در این زمینه، مسئله تعیین وضعیت حقوقی کارکنان شرکت‌های امنیتی خصوصی است. حقوق بین‌الملل بشردوستانه میان نظامیان، غیرنظامیان و مزدوران تمایز قائل می‌شود، اما بسیاری از کارکنان شرکت‌های امنیتی خصوصی در هیچ یک از این دسته‌بندی‌ها به‌طور کامل قرار نمی‌گیرند (Cameron, 2013, 178). این ابهام حقوقی باعث می‌شود که تعیین تکلیف دقیق مسئولیت دولت در قبال اقدامات آن‌ها دشوار باشد. پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۹۷۷ میلادی اگرچه تعریفی از مزدور ارائه داده است، اما این تعریف به گونه‌ای تنظیم شده که بسیاری از کارکنان شرکت‌های امنیتی خصوصی را شامل نمی‌شود. این خلأ حقوقی نیازمند بازنگری در مقررات بین‌المللی است.

در سطح داخلی نیز موانع متعددی بر سر راه تحقق مسئولیت دولت‌ها وجود دارد. در بسیاری از کشورها، شرکت‌های امنیتی خصوصی از حمایت سیاسی قدرتمندی برخوردارند که مانع از بررسی جدی تخلفات آن‌ها می‌شود. گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر در سال ۲۰۱۷ میلادی نشان داد که در هفتاد درصد موارد بررسی شده، فشارهای سیاسی مانع از رسیدگی قضایی مؤثر به تخلفات شرکت‌های امنیتی

88- ICoC, 2010, para. 3

89- UN Doc. A/HRC/39/47, 2018, para. 67

خصوصی شده است.^{۹۰} این وضعیت به‌ویژه در کشورهایی که این شرکت‌ها نقش مهمی در اجرای سیاست خارجی دارند، مشهودتر است.

ضعف مکانیسم‌های جبران خسارت برای قربانیان نیز از دیگر چالش‌های مهم است. در بسیاری از موارد، قربانیان نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی به دلایلی مانند مسائل مالی، جغرافیایی یا حقوقی امکان دسترسی به مراجع قضایی را ندارند. دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده جونز علیه بریتانیا در سال ۲۰۱۴ میلادی به این مشکل اشاره کرد و اعلام داشت که مصونیت‌های گسترده ممکن است حق دسترسی به دادگاه را نقض کنند.^{۹۱} این وضعیت نیازمند ایجاد مکانیسم‌های جایگزین برای جبران خسارت قربانیان است.

۶- راهکارهای تقویت مسئولیت‌پذیری دولت‌ها در قبال شرکت‌های امنیتی خصوصی

برای تقویت نظام مسئولیت‌پذیری دولت‌ها در قبال اقدامات شرکت‌های امنیتی خصوصی، مجموعه‌ای از راهکارهای حقوقی و اجرایی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در سطح بین‌المللی، تدوین یک معاهده جامع و الزام‌آور که به‌طور خاص به مسئولیت دولت‌ها در قبال این شرکت‌ها بپردازد، می‌تواند گامی اساسی در پر کردن خلأهای حقوقی موجود باشد. پیش‌نویس معاهده‌ای که توسط گروه کاری سازمان ملل در سال ۲۰۱۸ میلادی تهیه شده است، چهارچوب مناسبی برای این منظور ارائه می‌دهد.^{۹۲} این معاهده می‌تواند با تعریف دقیق مسئولیت دولت‌ها در سه سطح دولت‌های استخدام‌کننده، دولت‌های میزبان و دولت‌های متبوع شرکت‌ها و همچنین پیش‌بینی مکانیسم‌های نظارتی بین‌المللی، نظام پاسخگویی مؤثری ایجاد کند. تجربه موفق کنوانسیون مبارزه با مزدورگری مصوب ۱۹۸۹ میلادی نشان می‌دهد که معاهدات تخصصی می‌توانند در تنظیم فعالیت بازیگران غیردولتی نظامی مؤثر باشند، هرچند باید از محدودیت‌های آن کنوانسیون نیز درس گرفت.

در سطح ملی، اصلاح قوانین داخلی برای انطباق با استانداردهای بین‌المللی ضروری است. قانون شرکت‌های نظامی خصوصی بریتانیا مصوب ۲۰۱۴ میلادی می‌تواند به‌عنوان الگویی مناسب برای سایر

90- HRW Report, 2017, p. 15

91- ECtHR, Jones v. UK, 2014, para. 213

92- UN Doc. A/HRC/39/47, 2018, Annex

کشورها مورد توجه قرار گیرد.^{۹۳} این قانون با ایجاد نظام صدور مجوز اجباری، پیش‌بینی مکانیسم‌های نظارت مستمر و تعیین ضمانت‌های اجرایی مؤثر، چهارچوبی جامع برای مسئولیت‌پذیری این شرکت‌ها ایجاد کرده است. تجربه کشورهای دیگری مانند آفریقای جنوبی و ایالات متحده آمریکا نیز نشان می‌دهد که قوانین داخلی می‌توانند نقش مهمی در کاهش تخلفات شرکت‌های امنیتی خصوصی ایفاء کنند (Cockayne, 2007, 215). برای افزایش اثربخشی این قوانین، پیش‌بینی سازوکارهای شفاف‌سازی مانند ثبت عمومی قراردادها و انتشار گزارش‌های دوره‌ای فعالیت شرکت‌ها ضروری است.

ایجاد نهادهای نظارتی مستقل بین‌المللی نیز می‌تواند به تقویت مسئولیت‌پذیری کمک کند. یک نهاد نظارتی بین‌المللی با اختیارات کافی می‌تواند بر عملکرد شرکت‌های امنیتی خصوصی در سطح جهانی نظارت کند، تخلفات را ثبت و بررسی نماید و در موارد لازم مداخله کند (Percy, 2020, 178). این نهاد می‌تواند تحت نظارت سازمان ملل متحد یا به صورت یک سازمان مستقل بین‌المللی ایجاد شود. تجربه سازمان بین‌المللی کار^{۹۴} در نظارت بر استانداردهای کار می‌تواند در این زمینه الهام‌بخش باشد. چنین نهادی می‌تواند با ایجاد یک نظام ثبت بین‌المللی برای شرکت‌های امنیتی خصوصی، صدور گواهینامه‌های صلاحیت و تعلیق یا لغو مجوز فعالیت در موارد تخلف، ابزارهای مؤثری برای نظارت در اختیار داشته باشد.

تقویت همکاری‌های قضایی میان دولت‌ها نیز از دیگر راهکارهای مهم است. موافقتنامه‌های استرداد مجرمان و معاضدت قضایی در زمینه جرائم شرکت‌های امنیتی خصوصی می‌تواند مانع از فرار از مسئولیت شود (DCAF, 2016, 45). شبکه بین‌المللی مقابله با جرائم سازمان‌یافته^{۹۵} می‌تواند در تسهیل این همکاری‌ها نقش ایفاء کند. همچنین، ایجاد پایگاه داده مشترک از تخلفات شرکت‌های امنیتی خصوصی و کارکنان آن‌ها می‌تواند به دولت‌ها در تصمیم‌گیری درباره استخدام این شرکت‌ها کمک کند. تجربه موفق اتحادیه اروپا در ایجاد سیستم اطلاعاتی شنکن^{۹۶} نشان می‌دهد که چنین سازوکارهایی تا چه اندازه می‌توانند مؤثر باشند.

در سطح شرکت‌ها، توسعه و اجرای استانداردهای داوطلبانه رفتاری می‌تواند مکمل مقررات حقوقی باشد. ابتکار عمل بین‌المللی برای خدمات امنیتی خصوصی که در سال ۲۰۱۰ میلادی تأسیس شد، نمونه‌ای

93- UK PMSC Act, 2014

94- ILO

95- INTERPOL

96- SIS

از این استانداردها است.^{۹۷} گسترش دامنه این استانداردها به حوزه‌هایی مانند شفافیت مالی، حقوق کارکنان و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌تواند به بهبود عملکرد این شرکت‌ها کمک کند. همچنین، ایجاد نظام ارزیابی مستقل از عملکرد شرکت‌ها و اعطای گواهینامه‌های کیفیت مبتنی بر معیارهای حقوق بشری می‌تواند انگیزه‌های اقتصادی برای رعایت استانداردها ایجاد نماید.

تقویت دسترسی قربانیان به راهکارهای جبران خسارت نیز از عناصر کلیدی مسئولیت‌پذیری است. ایجاد صندوق‌های جبران خسارت بین‌المللی که از محل مالیات بر فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی تأمین می‌شوند، می‌تواند به قربانیان در دریافت غرامت کمک کند (Lehnardt, 2008, 210). همچنین، توسعه سازوکارهای میانجیگری و حل اختلاف غیرقضایی می‌تواند راهکار سریع‌تر و کم‌هزینه‌تری برای حل و فصل اختلافات ارائه دهد. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اختلافات ارضی و دریایی در سال ۲۰۱۲ میلادی بر اهمیت راهکارهای غیرقضایی حل اختلاف تأکید کرده است.

در سطح آموزش و ظرفیت‌سازی، توسعه برنامه‌های آموزشی برای کارکنان شرکت‌های امنیتی خصوصی درباره حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بشردوستانه ضروری است. همکاری دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی با نهادهای نظارتی می‌تواند به طراحی دوره‌های تخصصی در این زمینه کمک کند (Krahmann, 2010, 132). همچنین، برگزاری کارگاه‌های مشترک برای مقامات دولتی، قضات و نمایندگان شرکت‌های امنیتی خصوصی می‌تواند به درک متقابل و بهبود همکاری‌ها بینجامد.

نتیجه

تحلیل جامع مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در مأموریت‌های خارجی نشان می‌دهد که نظام حقوق بین‌الملل معاصر اگرچه از ظرفیت‌های نظری قابل توجهی در این زمینه برخوردار است، اما با چالش‌های اجرایی متعددی مواجه می‌باشد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که مسئولیت دولت‌ها در قبال اقدامات این شرکت‌ها را می‌توان در سه سطح متمایز اما مرتبط تحلیل کرد: مسئولیت ناشی از کنترل عملیاتی، مسئولیت مبتنی بر عدم نظارت مؤثر و مسئولیت تضمینی ناشی از تعهد به مراقبت. هر یک از این سطوح مسئولیت، مبنای حقوقی خاص خود را

در اسناد بین‌المللی و رویه قضایی دارد و شرایط تحقق متفاوتی را طلب می‌کند.

در بررسی اسناد بین‌المللی مرتبط، مشاهده می‌شود که اگرچه اسنادی مانند سند مونتر و مصوب ۲۰۰۸ میلادی و رهنمودهای سازمان ملل متحد مصوب ۲۰۱۰ میلادی گام‌های مثبتی در جهت تنظیم فعالیت شرکت‌های امنیتی خصوصی برداشته‌اند، اما فقدان ماهیت الزام‌آور و ضمانت اجرای کافی، اثربخشی آن‌ها را محدود ساخته است. از سوی دیگر، تحلیل رویه قضایی بین‌المللی نشان می‌دهد که مراجع قضایی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان کیفری بین‌المللی و دیوان اروپایی حقوق بشر هر یک با رویکردی خاص به توسعه چهارچوب مسئولیت دولت‌ها پرداخته‌اند. این رویه‌ها اگرچه حاوی اصول و معیارهای ارزشمندی هستند، اما به دلیل پراکندگی و گاه اختلاف در معیارها، نیازمند یکپارچه‌سازی و انسجام بیشتر می‌باشند.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، شناسایی شکاف‌های عمیق در نظام فعلی مسئولیت‌پذیری است. مشکلاتی مانند عدم شفافیت در قراردادهای، تعارض قوانین داخلی و بین‌المللی، ضعف مکانیسم‌های نظارتی و چالش‌های صلاحیتی، همگی باعث شده‌اند که در عمل، امکان تحقق کامل مسئولیت دولت‌ها با موانع جدی مواجه شود. این وضعیت به‌ویژه در مواردی که شرکت‌ها در مناطق بحرانی و خارج از قلمرو دولت استخدام‌کننده فعالیت می‌کنند، تشدید می‌شود.

در نهایت، باید تأکید کرد که مسئله مسئولیت دولت‌ها در قبال شرکت‌های امنیتی خصوصی، تنها یک چالش حقوقی نیست، بلکه آزمونی برای کارآمدی نظام بین‌المللی حقوق بشر و توانایی آن در پاسخگویی به تحولات جدید در عرصه امنیت بین‌الملل محسوب می‌شود. توسعه روزافزون فعالیت این شرکت‌ها و نقش فزاینده آن‌ها در مناسبات امنیتی جهانی، ضرورت بازنگری در نظام مسئولیت بین‌المللی را بیش از پیش آشکار ساخته است. امید است یافته‌های این پژوهش بتواند به غنای گفت‌وگوهای حقوقی در این زمینه کمک کند و زمینه تحقیقات آتی را برای پر کردن خلأهای باقی‌مانده فراهم آورد.

پیشنهاد

راهکارهای پیشنهادی این پژوهش برای تقویت نظام مسئولیت‌پذیری، بر چند محور اصلی استوار است. در سطح بین‌المللی، تدوین یک معاهده جامع و الزام‌آور که به‌طور خاص به مسئولیت دولت‌ها در قبال

شرکت‌های امنیتی خصوصی بردازد، می‌تواند بسیاری از خلأهای حقوقی موجود را پر کند. در سطح ملی، اصلاح قوانین داخلی برای انطباق با استانداردهای بین‌المللی و ایجاد نهادهای نظارتی مستقل گامی ضروری به شمار می‌رود. همچنین، تقویت همکاری‌های قضایی بین کشورها و ایجاد سازوکارهای جبران خسارت برای قربانیان می‌تواند به افزایش مسئولیت‌پذیری این شرکت‌ها بینجامد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- Afghan PMSC Law, 2018, Law on Regulation of Activities of Private Security Companies.
- Al-Jedda v. United Kingdom, 2011, ECHR, Application No. 27021/08.
- Al-Skeini v. United Kingdom, 2011, ECtHR, Application No. 55721/07.
- Ballesteros, E. B., 1990, Report on the Question of the Use of Mercenaries. UN Doc. A/45/599.
- Blake Inquiry, 2010, Report of the Public Inquiry into the Case of Baha Mousa.
- Cameron, L., 2013, Private Military Companies and International Law. Intersentia.
- Cameron, L., 2013, Private Military and Security Companies and Human Rights. Intersentia.
- Chesterman, S., & Lehnardt, C., 2008, From Mercenaries to Market: The Rise and Regulation of Private Military Companies. Oxford University Press.
- Cockayne, J., 2007, Commercial Security in Humanitarian and Post-Conflict Settings: An Exploratory Study. International Peace Academy.
- Corfu Channel Case, United Kingdom v. Albania, 1949, ICJ Reports.
- Cryer, R. 2010, Prosecuting International Crimes: Selectivity and the International Criminal Law Regime. Cambridge University Press.

- DCAF, 2016, Regulating Private Military and Security Companies: Trends and Challenges. Geneva Centre for Security Sector Governance.
- Dickinson, L., 2011, Outsourcing War and Peace: Preserving Public Values in a World of Privatized Foreign Affairs. Yale University Press.
- Dörmann, K., 2003, Elements of War Crimes under the Rome Statute of the International Criminal Court. Cambridge University Press.
- El-Masri v. Romania, 2018, ECHR, Application No. 57863/11.
- European Parliament, 2009, Resolution on the Use of Private Military and Security Companies.
- Geneva Convention III, 1949, Relative to the Treatment of Prisoners of War.
- Hassan Aliu v. Romania, 2019, ECHR, Application No. 46698/16.
- Human Rights Committee, 2004, General Comment No. 31: The Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant. CCPR/C/21/Rev.1/Add.13.
- HRC, 2018, General Comment No. 36 on Article 6 of the International Covenant on Civil and Political Rights, on the Right to Life. CCPR/C/GC/36.
- HRW, 2017, They're Chasing Us Away from Our Work: Private Military and Security Companies in the Middle East.
- IACtHR, 2003, Juridical Condition and Rights of Undocumented Migrants, Advisory Opinion OC-18/03.
- ICC OTP, 2014, Policy Paper on Sexual and Gender-Based Crimes.
- ICC, 2014, Prosecutor v. Germain Katanga, Case No. ICC-01/04-01/07.
- ICC, 2016, Prosecutor v. Jean-Pierre Bemba Gombo, Case No. ICC-01/05-01/08.
- ICC, 2016, Situation in Georgia, Case No. ICC-01/15.
- ICC, 2019, Annual Report of the International Criminal Court.
- ICC, 2020, Situation in the Islamic Republic of Afghanistan, Case No. ICC-02/17.
- ICC Statute, 1998, Rome Statute of the International Criminal Court.
- ICoC, 2010, International Code of Conduct for Private Security Service Providers.
- ICRC Database, 2020, National Legislation on Private Military and Security Companies.

-
- ICTY, 1999, Prosecutor v. Duško Tadić, Case No. IT-94-1-A.
 - ILC Articles on State Responsibility, 2001, International Law Commission.
 - Isenberg, D., 2010, *Shadow Force: Private Security Contractors in Iraq*. Praeger.
 - Jalal v. Germany, 2020, ECHR, Application No. 54810/15.
 - Jones v. United Kingdom, 2014, ECHR, Applications Nos. 34356/06 and 40528/06.
 - Kampala Amendments, 2010, Review Conference of the Rome Statute.
 - Kiobel v. Royal Dutch Petroleum Co., 2013, 569 U.S. 108.
 - Kontos, M., 2009, *Regulating the Private Security Industry*. Routledge.
 - Krahnemann, E., 2010, *States, Citizens and the Privatization of Security*. Cambridge University Press.
 - Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996, ICJ Advisory Opinion.
 - Lehnardt, C., 2008, *Private Military Companies and State Responsibility*. In S. Chesterman & C. Lehnardt (Eds.), *From Mercenaries to Market*, Oxford University Press.
 - Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, *Nicaragua v. United States of America*, 1986, ICJ Reports.
 - Montreux Document, 2008, *On Pertinent International Legal Obligations and Good Practices for States Related to Operations of Private Military and Security Companies During Armed Conflict*.
 - Naeem Ali v. United Kingdom, 2014, ECHR, Application No. 39627/12.
 - OAU Convention, 1977, *For the Elimination of Mercenarism in Africa*.
 - PCA, 2017, *Private Security Company v. Republic of X*, Case No.
 - Percy, S., 2007, *Mercenaries: The History of a Norm in International Relations*. Oxford University Press.
 - Percy, S., 2020, *Mercenaries: The History of a Norm in International Relations*. Oxford University Press.
 - Sandoz, Y., et al., 1987, *Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949*. ICRC.
 - Singer, P. W., 2008, *Corporate Warriors: The Rise of the Privatized Military Industry*.

Cornell University Press.

- Smith and Others v. United Kingdom, 2013, ECHR, Applications Nos. 33985/96 and 33986/96.
- Taguba, A., 2007, The Taguba Report: Investigation of the 800th Military Police Brigade.
- UK PMSC Act, 2014, Private Military and Security Companies (Regulation) Act.
- UK Supreme Court, 2013, Smith v. Ministry of Defence, [2013] UKSC 41.
- UK Supreme Court, 2017, Al-Qahtani v. Secretary of State for Defence, [2017] UKSC 62.
- UN Basic Principles on the Use of Force and Firearms by Law Enforcement Officials, 1990.
- UN General Assembly, 2019, Report of the Working Group on the Use of Mercenaries. A/74/246.
- UN Guiding Principles on Business and Human Rights, 2011, Implementing the United Nations Protect, Respect and Remedy Framework. A/HRC/17/31.
- UN Human Rights Council, 2018, Report of the Working Group on the Use of Mercenaries.
- UN Working Group, 2010, Draft of a Possible Convention on Private Military and Security Companies.
- UN Working Group, 2018, Report on the Use of Mercenaries as a Means of Violating Human Rights.
- US v. Slough, 2014, 677 F.3d 1126, D.C. Cir.
- Vladeck, S., 2010, The Exceptionalism of Foreign Relations Federalism. Minnesota Law Review, 94, 1117-1174.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.25- Autumn 2025

- Exploring the Possibility of Establishing Crimes Against Humanity from the Unilateral US Sanctions Against Iran
Homayoun Mafi, Morteza Pourazai
- Analysis of Blockchain Based Smart Contracts from the Perspective of the United Nations Convention on Contracts for the International Sales of Goods
Aria Ebrahimi, Sobhan Tayebi
- Artificial Intelligence and the Criminal Law System: An Analysis of Responsibilities and Implications
Hadi Jamshidi Far, Mehdi Jafarian, Roghayeh Jafarian
- Digital Transformation of Criminal Justice in the Light of Digital Justice: The Synergistic Function of Emerging Technologies
Seyed Alireza Mirkamali, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi
- The Legal Status of Joint Inventions and the Extent of Ownership and Possession of the Inventors in Them
Saeed Molavi, Narjes Darbani Chelche
- Contractual Obligations in Cross-Border E-Commerce and the Challenges of Their Enforcement in International Arbitration with Emphasis on International Treaties
Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Ali Kefaei Far
- An Analysis of the Involvement of Moral Theories in Criminal Law
Iraj Morvati, Saeid Ahmadi, Negin Bahadori Jahromi
- The Need to Criminalize the Possession of Miners in Iran (Comparative Study)
Mahdi Rajaeian, Shadi Chegini
- The Relationship between Human Dignity and the Goals of Punishments in Criminal Law
Amirhasan Abolhasani, Sattar Fakhrzai, Zeinab Ghaderi
- Analyzing the Concept of Right to the Child in Imami Narrations: A Critique of the Concept of Custody in Jurisprudence and Family Law
Hojjatollah Dehghani
- Comprehensive Legal System of the National Iranian Oil Company (NIOC) SAHN; a Strategic Transformation in the Intelligent Legal Governance of Iran's Oil Industry
Sayyed Hojjatollah Alamolhoda, Mohammad Mahdi Asadi
- Basic Principles of Insurance and its Consequences on Intention to Cause Damage
Mohammad Kamali, Mohammadali Jahani, Hamidreza Salimi
- Analysis of the Causes of Delinquency Among Children and Adolescents in Iranian Criminal Law
Sayyed Ahmad Peyrovnaziri, Amirreza Mahmoudi
- Examining the Validity and Admissibility of Modern Communication Tools in the Process of Proving Crime in the Iranian Legal System
Alireza Bagheri Hassanabadi
- Criminal Liability of Notaries Public: Analysis of Legal Challenges and Preventive Solutions in the Iranian Registration System
Ayoub Rahimi
- The Concept of Public Interest in the Light of John Stuart Mill's Utilitarianism and Its Comparison with the Thought of Jeremy Bentham
Ahmadreza Soltanian
- Civil Liability for Robots and Artificial Intelligence: Legal Challenges and Solutions in the Age of New Technologies
Jeyran Ebrahimi
- Supportive Policymaking for Women's Victimization in the Family with an Emphasis on New Developments
Mahbobeh Talebi Rostami
- The Impact of Criminal Psychology on Committing Crimes in Iranian and French Law
Vahid Kioumarsi
- The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions
Mahdi Gharedaqi, Masoud Sarfarazi Saleh
- A Jurisprudential and Legal Study of the Condition for the Return of the Endowment to the Donor's Property
Habibollah Abdollah Poor, Hamidreza Namavar
- An Analysis of the Environmental Crimes of the United States of America and Israeli Aggression against the Islamic Republic of Iran
Javad Cheraghi
- Legal Analysis of the Role of Real Estate Consultants in Preserving Land Ownership Rights and Its Enforcement Challenges in Iran
Mohammad Ahmadi
- The International Criminal Courts Counteraction to the Spread of ISIS Crime
Javad Dashtian
- The Validity of the New York Convention in Iran's International Commercial Arbitration and the Arbitration Agreement with an Emphasis on the Commercial Concept
Ali Babapour Hamrahloo, Pouya Banihashem
- Ownership and Exploitation of Water in the Iranian Legal System
Ahmad Padidar, Yaser Sayyad Poor
- The Right to be Forgotten and its Effects on Contractual Relationships in Public Blockchains; a Comparative Analysis of Data Privacy in Iranian and European Law
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- An Examination of the Legal Nature of Build-Lease-Transfer (BLT) Contract
Ali Zarei Jalalabadi
- The Role of the Lawyer in Preliminary Investigations in the Criminal Procedure Code
Alireza Deraei
- Identifying and Prioritizing Socio-Political Factors Affecting Begging in Zahedan
Mohammad Kamal Dadras
- Civil Liability of the State for Damages Caused by Delayed Proceedings
Ali Farahi
- The Impact of Government Economic Policies on Contractual Freedom in Private Markets
Radmehr Rahmani Golafshan
- A Historical Review of Criminalization of Armed Forces Crimes
Yasser Shakeri